Conceptualizing and Truth-Seeking the Mission of the "Islamic Lifestyle" in Explaining the Fundamental Criteria of "Iranian-Islamic Housing" in the Age of Globalization

Erfan Khasm Afkan Nezam[1*], Vida Taghvaei[2]

1 Ph.D. Candidate in Architecture, Architecture Department, Art and Architecture Faculty, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2 Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Shariaty, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran.

(Received 30 Aug 2019, Accepted 20 Jan 2020)

"Globalization" not in a geographical sense but in a political and ideological sense, is a plan formulated by the rich and powerful countries of the world, and it means the continuation of economic, political and military dominance over other countries in the world. One form of domination in the present age is by way of cultural aggression, through which it seeks to undermine the cultural and religious foundations of the Muslim people, and especially the Islamic way of life. In the field of architecture and housing, today, compared to the past, forms and living spaces, with a tendency to be similar to imported patterns and alien to their foreign identities, have also alienated the society and have completely changed it. In the words of the Supreme Leader: "One of the dimensions of progress with the 'Islamic concept' is lifestyle, social behavior and way of life." Therefore, the conceptualization of the mission of "Islamic lifestyle" as a container and component shaping "Iranian-Islamic housing" should be considered. In today's social life, the concept of "lifestyle" has a special meaning. As the influence of tradition is reduced, and daily life is reconstructed in terms of the interaction of local and global factors more and more people are forced to choose their lifestyle from a variety of options. "Islamic lifestyle" is a way of life that is based on Islamic and Quranic teachings and values. The Qur'an, which is the plan of human life, has shown the best way of life to man, which ultimately leads him to the happiness of this world and the hereafter. "Islamicness of etiquette" and "monotheism of being a way of life" mean that "lifestyle" is the bedrock of "divine worship" in human life. In Islamic lifestyle, "faith" and "righteous deeds" have a special place and in various verses of the Qur'an and narrations from the Infallibles (AS) as a way to achieve "good life" is introduced as the highest position of this type of lifestyle. In the present study, the purpose of using the word "Islamic" is anything that belongs to and is committed to the principles, ideals, values and norms of Islam and in a broader sense, invented or expressed by Muslims, and the meaning of the word "Iranian-Islamic" is anyone who is in the common denominator of being Iranian and being Islamic and does not have principles and identities that do not oppose either of these two can be called "Iranian-Islamic." In other words, anything that is based on the beliefs, ideals, values and norms of the Islamic Republic of Iran or the discourse of the Islamic Revolution is called "Islamic Iran." The present study is of qualitative type and in two parts: the first part, the necessary information in the field of relationship between "globalization" and "Islamic lifestyle" is presented and in the next stage, the relationship between "lifestyle" and "housing" in historical periods is analyzed. In the second part, using the descriptive-analytical method, the key words of the research have been researched and explored, and using the components and effects that are related in this regard, the "basic principles and criteria of Iranian-Islamic housing" were explained. The results show that the current "Islamic spirit" in the Iranian Muslim living space can be seen in the manifestation of the truth, the concept of "good life" as the highest degree of Islamic lifestyle, in the "Iranian courtyard" as its beating heart.

Keywords: Globalization, Islamic Lifestyle, Pure Life, Iranian Islamic Housing.

* Corresponding author. E-mail: st_e_khasmafkan@azad.ac.ir

Copyright© 2020, the Authors | This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

مقالهٔ پژوهشی

DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145

سال پنجم، شماره دوم- پاییز و زمستان ۹۹

مفهوم‌سازی و حقیقت‌یابی رسالت «سبک زندگی اسلامی» در تبیین معیارهای بُنیادین «مسکن ایرانی اسلامی» در «عصر جهانی‌شدن»

عرفان خصم‌افکن نظام[1*]، ویدا تقوایی[2]

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده دکتر شریعتی، دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۶/۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰)

چکیده

«جهانی‌شدن»، نه به مفهوم جغرافیایی بلکه به مفهوم سیاسی و ایدئولوژیک طرحی است که توسط کشورهای ثروتمند و قدرتمند دنیا، تدوین‌شده و منظور از آن، ادامهٔ سلطهٔ اقتصادی، سیاسی و نظامی بر دیگر کشورهای عالم است. یکی از اشکال نفوذ سلطه در عصر حاضر، از طریق تهاجم فرهنگی است که به‌واسطهٔ آن، برای تضعیف بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی مردم مسلمان به‌ویژه کمرنگ کردن سبک زندگی اسلامی تلاش می‌کند. در حوزهٔ معماری و مسکن نیز، امروزه نسبت به گذشته، فرم‌ها و فضاهای زیستی، با گرایش به هم‌شکلی با الگوهای وارداتی و بیگانه با هویت خویش، جامعه را نیز به ازخودبیگانگی دچار کرده‌اند و کاملاً دگرگون‌شده‌اند. به تعبیر مقام معظم رهبری: «یکی از ابعاد پیشرفت با «مفهوم اسلامی»، سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی و شیوهٔ زیستن است»؛ ازاین‌رو، مفهوم‌سازی رسالت «سبک زندگی اسلامی» به‌عنوان ظرف و مقوم شکل‌دهنده به «مسکن ایرانی اسلامی» باید موردتوجه قرار گیرد. پژوهش حاضر از نوع کیفی و در قالب دو بخش ارائه شد: در بخش اول، اطلاعات لازم در حوزهٔ ارتباط «جهانی‌شدن» و «سبک زندگی اسلامی» و در مرحلهٔ بعد، بررسی ارتباط «سبک زندگی» با «مسکن» در ادوار تاریخی مورد تحلیل قرار گرفت. در بخش دوم، با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی واژگان کلیدی پژوهش، موردتحقیق و کندوکاو قرارگرفتند و با استفاده از مؤلفه‌ها و آثاری که دراین‌ارتباط هست، به تبیین «اصول و معیارهای بنیادین مسکن ایرانی اسلامی» پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد «روح اسلامی» جاری در فضای سکونت ایرانی مسلمان، در تجلی حقیقت مفهوم «حیات طیبه» به‌عنوان عالی‌ترین درجهٔ سبک زندگی اسلامی، در «حیاط خانه ایرانی»، به‌عنوان قلب تپندهٔ آن معنی می‌شود.

واژگان کلیدی

عصر جهانی‌شدن، سبک زندگی اسلامی، حیات طیبه، مسکن ایرانی اسلامی.

* نویسندهٔ مسئول مکاتبات: st_e_khasmafkan@azad.ac.ir

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

مقدمه

بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبری، وظیفهٔ تعیین سیاست‌گذاری‌های کلی نظام را بر عهده دارد. بیانیهٔ گام دوم انقلاب، درواقع طرحی کلان برای راهبردها و سیاست‌های پیشروی جمهوری اسلامی برای آیندهٔ انقلاب است (Naderi and Perani 2020). بر اساس توصیه‌های اساسی رهبری فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم، هفت محور اصلی دارد که یکی از این محورها «جهاد هوشمندانه و همه‌جانبه برای تحقق سبک زندگی اسلامی» است که حکایت از اهمیت حوزهٔ «سبک زندگی» در اسناد بالادستی کشور دارد. به‌عبارت‌دیگر، یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی، سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی و شیوهٔ زیستن است (Khamenei 2011). از سوی دیگر، اسناد بالادستی و دیدگاه‌های رهبران و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که آن‌ها به‌صورت صریح و ضمنی، تمدن‌سازی و ایجاد «تمدن نوین اسلامی» را به‌عنوان هدف انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند (Ghasemi 2018). «تمدن نوین اسلامی دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است که عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم و شامل:«علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ» است؛ این بخش، ابزاری است که کشور ما در این بخش پیشرفت خوبی داشته است و بخش دیگر، بخش حقیقی است که شامل چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان «سبک زندگی» است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل: «مسئلهٔ خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئلهٔ خط، مسئلهٔ زبان، مسئلهٔ کسب‌وکار؛ رفتار ما در محل کار، دانشگاه، مدرسه، فعالیت سیاسی در ورزش، و رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ما است، رفتار با پدر و مادر، با همسر، با فرزند، با رئیس، با مرئوس، با پلیس، با مأمور دولت، ... رفتار ما با بیگانه در انقلاب»، در این زمینه، ما مثل بخش اول پیشرفت نکردیم. می‌توان این بخش را به‌منزلهٔ بخش نرم‌افزاری تمدن به‌حساب آورد و بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به‌حساب آورد. باید بتوانیم متن زندگی یعنی بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. اگر ما در این بخشی که «متن زندگی» است، پیشرفت نکنیم؛ همهٔ پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند، نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد مانند دنیای غرب، در آنجا باوجوداینکه ثروت، بمب اتم، پیشرفت‌های گوناگون علمی و قدرت نظامی هست دچار افسردگی، ناامیدی، از درون به هم ریختن، عدم امنیت انسان‌ها در اجتماع و در خانواده، بی‌هدفی و پوچی هستند. آسیب‌شناسی و علت‌یابی درزمینهٔ عدم پیشرفت لازم در بخش «سبک و فرهنگ زندگی» ضروری است؛ در این زمینه باید همه به خود نهیب بزنیم و ضمن تلاش جدی برای آسیب‌شناسی، به چاره‌جویی و جستجوی راه‌های علاج بپردازیم (Khamenei 2012)». مفهوم‌پردازی «سبک زندگی اسلامی‌ایرانی» بیانگر عملیات تحلیل محتوای کیفی است که طی آن، مبانی نظری که جمع‌آوری‌شده، تجزیه‌وتحلیل می‌شود و مفاهیم، جداگانه، تفکیک و پردازش می‌شوند. «تکنیک و رویهٔ کلی در مفهوم‌پردازی، سؤال کردن است و از طریق فرآیند مفهوم‌پردازی و تحلیل مفهومی است که «مقوله‌ها (تعدادی از مفاهیم هم‌سنخ)» ساخته و نام‌گذاری می‌شوند و ویژگی‌های خاصی به آن‌ها منتسب می‌شود (Kafi 2015)». ازاین‌رو، در پژوهش حاضر، هدف از به‌کارگیری واژهٔ «اسلامی»، هر آنچه متعلق و متعهد به مبانی، آرمان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اسلام است و در معنایی گسترده‌تر، به‌وسیلهٔ مسلمانان ابداع یا بیان‌شده است، محسوب می‌شود و منظور از واژهٔ «ایرانی اسلامی»، هر آنچه در دایرهٔ اشتراک ایرانی بودن و اسلامی بودن، قرار گیرد و مبانی و هویتی معارض با هیچ‌یک از این دو نداشته باشد، می‌تواند «ایرانی

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

اسلامی» نامیده شود. به‌عبارت‌دیگر، هر آنچه که مبتنی بر باورها، آرمان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای نظام جمهوری اسلامی ایران یا گفتمان انقلاب اسلامی باشد، «ایرانی اسلامی» می‌نامیم (Haghighi et al. 2017, 134). در این راستا، اساس پژوهش حاضر را می‌توان در قالب دو بخش بیان کرد: در «بخش اول»، شیوهٔ مورداستفاده در پژوهش، «تحلیل محتوا کیفی» است و ابزار مورداستفاده، کلیهٔ اسناد یا آثار مربوط به موضوع، شامل: «نوشتاری (کتاب‌ها، مقالات، ...) و غیر نوشتاری (سایت‌ها، نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای و ...) است که در ابتدا اطلاعات لازم از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و مقالات علمی در حوزهٔ ارتباط «جهانی‌شدن» و «سبک زندگی اسلامی» و در مرحلهٔ بعد، بررسی ارتباط «سبک زندگی» با «مسکن» در ادوار تاریخی مورد تحلیل قرار گرفت. پس‌ازآن، در «بخش دوم» با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی، واژگان کلیدی پژوهش، موردتحقیق و کندوکاو قرارگرفتند و با استفاده از مؤلفه‌ها و آثاری که دراین‌ارتباط هست، به تبیین «اصول و معیارهای بنیادین مسکن ایرانی اسلامی» پرداخته شد.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. ضرورت‌های پژوهش در حوزهٔ «سبک زندگی اسلامی» در «عصر جهانی‌شدن»

«جهانی‌شدن» یا «جهانی‌سازی» یا همان «غربی‌سازی جهان» پروژه یا فرآیند مدیریت‌شده‌ای است که غرب با رهبری آمریکا در حال پیگیری آن است. غرب، نه به مفهوم جغرافیایی، بلکه به مفهوم سیاسی و ایدئولوژیک، دنیا را به دو بخش برتر و بربر تقسیم می‌کند. این توسعه‌طلبی استعماری، هژمونی (رهبری) لیبرال سرمایه‌داری در غرب، برای تسلط بر کل جهان است. جهانی‌سازی به این مفهوم، سلطهٔ غرب برجهان و به ویژه جهان اسلام، در هر سه حوزهٔ اقتصاد، سیاست، و فرهنگ است (Rahimpourazqadi 2008). بر اساس نظر هگل، جهان بر اساس نیازهای تمدن جدید، سامان می‌یابد، نه بر اساس تمدن اسلامی، رومی، یونانی، و چینی. نیازهای این تمدن برتر یعنی مدرنیته، تعیین‌کنندهٔ مسیر تاریخ و هدایت‌کنندهٔ آن است. نظریهٔ هگل دربارهٔ مدرنیته، به بهترین شکل، موقعیت غرب در تمدن جدید و جهانی‌شدن، که مبنای آن سلطه است را نشان می‌دهد (Eltiaminia and Hosseini, 2014). در جدول شمارهٔ ۱، آثار جبران‌ناپذیر و منفی جهانی‌سازی، بررسی خواهد شد.

در حوزهٔ معماری و مسکن نیز، امروزه نسبت به گذشته، فرم‌ها و فضاهای زیستی، کاملاً دگرگون‌شده‌اند؛ گذشته از دگرگونی‌های ناگزیر و با گرایش به هم‌شکلی با الگوهای وارداتی و بیگانه با هویت خویش، جامعه را نیز به ازخودبیگانگی دچار کرده‌اند. علاوه بر دگرگونی‌های هویتی و فرهنگی ناشی از تکرار الگوها و فضاهای بیگانه، حتی نام‌ها و فضاهایی از قبیل آپارتمان، ویلا، سوئیت، پنت‌هاوس، هال، پنتری و امثال این‌ها که به همراه مدگرایی‌های و اضمحلال فضاهای بومی رشد کرده‌اند، نوعِ خاصی از رفتار و فرهنگ را طلب می‌کنند. بی‌گمان، سامان یافتن مسکن با تغییرات شیوهٔ زیست دگرگون می‌شود؛ اما بسیاری از موضوعات در سامان دادن «مسکن» به عبارت بهتر در شکل‌گیری سرپناه‌های آدمیان دوران معاصر دخالت دارند (Naghizadeh 2013) که برخی از آن‌ها در جدول شمارهٔ ۲، بیان می‌شوند.

۱-۲. پیشینهٔ ارتباط «مسکن» و «سبک زندگی» در دوره‌های تاریخی

انسان‌ها در طول تاریخ و در دوره‌های گوناگون، همواره سبک‌های زندگی مخصوص به خود را داشته‌اند. جوامع انسانی در رویارویی با پدیده‌ها، مسائل و رویدادهای فردی و اجتماعی ورای خود، شیوه و سبک زندگی یکسانی نداشته‌اند و در دوره‌های مختلف (از دورهٔ سنتی تا دورهٔ مدرن و پسامدرن)، روش‌های گوناگونی را در زیست فردی و جمعی خود دنبال کرده‌اند. در جوامع سنتی، مردم فرصتِ گزینشِ روش‌های بدیل زندگی را داشته‌اند، بااین‌وجود، برای بسیاری از مردم، بدیل‌ها زیاد نبودند و تفاوت چندانی هم در این بدیل‌ها وجود نداشت. آنان تغییرات بنیادینی در روش‌های

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

جدول ۱: ضرورت پرداختن به حوزهٔ «سبک زندگی» با توجه به آثار جبران‌ناپذیر جهانی‌شدن برجهان اسلام (اقتباس از Eltiaminia and Hosseini, 2014)

Table 1: The Need to Address The Field of "Islamic Lifestyle" in View of the Irreparable Effects of Globalization on the Islamic World (Eltiaminia and Hosseini, 2014)

آثار	تعریف
تضعیف فرهنگ‌های محلی و ترویج غربی‌گری	از این زاویه، فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای در مقابل امکانات وسیع فرهنگ غربی امکان خودنمایی ندارند و سرعت تحولات، فرصت تأمل و اندیشیدن را از این فرهنگ‌ها گرفته است. ورود بی‌رویه فرهنگ و ارزش‌های غربی در جوامع توسعه‌نیافته، به تشدید دوگانگی ارزشی و تشدید ازخودبیگانگی و اختلال‌های هویتی می‌انجامد. تحت تأثیر جهانی‌شدن و گسترش شرایط و تحولات آن در جهان اسلامی، شاهد کاهش تدریجی موقعیت فرانهادی دین و عصری شدن یا دریافت دنیوی از دین هستیم. در خصوص مقولهٔ جهانی‌شدن، مسئلهٔ نگران‌کننده، رُشد تک فرهنگی است. فرهنگی که از سوی رسانه‌های جهانی غرب و شبکه‌های روابط عمومی آن‌ها تبلیغ می‌شود، فرهنگی است که به مردم دیکته می‌کند چه بپوشند، چه بخورند، چگونه زندگی کنند و چگونه فکر کنند. بدون شک، مهم‌ترین تکیه‌گاه مسلمانان در رویارویی استراتژیک با قدرت‌های سلطه‌گر و تهاجم فرهنگی، منابع فرهنگی ایشان است اما با توفیق دشمنان اسلام در استحالهٔ فرهنگی جوامع اسلامی، به‌راحتی این منبع و تکیه‌گاه استراتژیک از دست ایشان خارج می‌شود و زمینه برای تحکیم سلطهٔ بیگانگان بیش‌ازپیش مهیا می‌شود.
تضعیف حاکمیت و استقلال کشورهای اسلامی	«ملتی که فرهنگ بیگانه در آن رواج داشته باشد، نمی‌تواند ادعای استقلال کند (Khamenei 1989, 1- 2)». تأثیرات جهانی‌شدن بر استقلال و حاکمیت کشورهای اسلامی عبارت هستند از: ۱)«وابسته شدن به غرب»: در جوامع اسلامی تحت استعمار، نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدید بر اساس تجربه غرب خلق شد که با نهادهای سنتی در تضاد بودند. ۲)«قطب‌بندی آموزشی»: بر اساس نفوذ استعمار، دو نوع آموزش در جوامع اسلامی ایجاد شد. یک نوع آموزش ملهم از غرب در برابر آموزش سنتی و مذهبی به وجود آمد؛ جامعه به دو گروه نخبگان مدرن تحصیل‌کرده جدید و رهبری سنتی قدیم تقسیم شد. ۳)«بحران رهبری»: به علت نفوذ استعمار، رهبری سنتی به نحوی نظام‌مند ضعیف شد و از بین رفت و نوعی رهبری سیاسی خارجی به جامعه اسلامی تحمیل شد. این رهبری، طرفدار غرب و از مردم خود، بیگانه بود.
تأثیر بر هویت و فرهنگ جوامع اسلامی	امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که با اعمال گروهی از مردم موافقت می‌کند، صرفاً یک دنباله‌رو و مقلد نابینا است؛ زیرا او دو گناه مرتکب می‌شود: اول این‌که کار اشتباه انجام می‌دهد و دوم این‌که با آن کار موافق است». هویت یک جامعه اسلامی منوط به دو اصل زیر است: اول، تبعیت از آرمان‌های اسلامی بیان‌شده در قرآن کریم و سُنت؛ دوم، اطاعت و تبعیت از امامت و ولایت، امامت و رهبری در اسلام، حد کمال و تجلی واقعی هویت اسلامی است. برتری فرهنگی غرب از طریق فرایند رضایت و اقناع و فریب سعی کرده است با کنترل پلیسی بر کل دنیا و اعمال نظم نوین جهانی، ارزش‌های سیاسی، اخلاقی و فرهنگی خود را برجهان تحمیل کند. تهاجم فرهنگی یکی از شیوه‌هایی است که دشمن از طریق آن برای تضعیف بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی مردم مسلمان تلاش می‌کند. عاملان تهاجم فرهنگی، در پیِ آن هستند که با استفاده از سازوکارها و روش‌های فرهنگی، بر ارزش‌های بنیادی جامعه (خدامحوری، دشمن‌ستیزی، عدالت‌خواهی، خودباوری، ظلم‌ستیزی و ...)؛ نگرش‌های پایه‌ای مردم به حکومت و روابط اجتماعی، ترجیحات اساسی مردم (ترجیحات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی) و آداب‌ورسوم، منش و رفتار اجتماعی آن‌ها تأثیر بگذارند و آن‌ها را تغییر دهند.
تهاجم رسانه‌ای	هدفِ رسانه، تغییر رفتار است. با ورود روزنامه‌ها، مردم ایران سبک زندگی دیگری را انتخاب کردند؛ انقلاب‌ها، تحولات سیاسی، انقلاب اسلامی، ادبا و شخصیت‌هایی که به وجود آمدند، معلول رسانه‌ها بودند. در هجوم جدید ماهواره به جامعه ایرانی، ابتدا از طریق ترانه و آواز اقداماتی انجام شد و سپس از طریق ساخت سریال‌های قوی سعی کردند حجاب و حیا را بردارند. آن‌ها به نحوی مستمر کار می‌کنند و اولین حاصل کار آن‌ها این بود که «کتاب» را از زندگی مردم حذف کردند. سپس نشست‌های خانوادگی که در آن تبادل اطلاعات انجام می‌شد، در زندگی مردم کمرنگ شد و رسانه‌های تک‌بُعدی جایگزین آن‌ها شدند. هانتینگتون جنگ تمدن‌ها را مطرح کرد و گفت آمریکا نمی‌تواند در جهان، قدرت برتر باشد مگر این‌که فرهنگ خود را به کشورهای جهان گسترش بدهد. در میان کشورهای جهان، یک دسته فرهنگ آمریکایی را می‌پذیرند (مانند کشورهای تونس، مصر و یمن که اصالت فرهنگی‌شان از بین رفت) و دسته‌ای دیگر نیز، در برابر آن مقاومت می‌کنند. با این مقاومت، جنگ و تهاجم رسانه‌ای شروع می‌شود.
رفتارهای اجتماعی و شخصی	بر اساس یافته‌های بسیاری از پژوهش‌ها، کسانی که سبک زندگی سالم را انتخاب می‌کنند، رفتارهای پُرخطر کمتری دارند و پنجاه درصد مرگ‌های نابه‌هنگام در کشورهای غربی ناشی از سبک زندگی ناسالم است. فعالیت‌هایی مانند مصرف الکل، سیگار، نبستن کمربند ایمنی، رفتارهای پرخطر و نامشروع جنسی، سبب تزلزل جامعه و خانواده شده است؛ درحالی‌که نیکوکاری، قناعت، صرفه‌جویی، ایمان و انجام مناسک مذهبی و امثال آن می‌توانند موقعیت و سعادت فرد یا جامعه را تقویت کند.

زندگی نسل‌های پیش از خود ایجاد نکردند.

بیشتر مردم در محیطی که در آن پرورش‌یافته بودند، باقی می‌ماندند و جوانان نیز چندان از روش‌ها و سبک زندگی والدین خود فاصله نمی‌گرفتند. در «مدرنیته»، این فرایند رو به تغییر نهاد و در دورهٔ «پسامدرن» آهنگ این تغییرات، شتاب گرفت. مدرنیته با امکانات خود و از طریق ایجاد تنوع، فرد را با انتخاب‌های گوناگون و پیچیده روبه‌رو می‌سازد. به اعتقاد گیدنز، ویژگی مدرنیته «پویایی»، «تأثیر جهان‌گستر» و «تغییر دائمی رُسوم سُنتی» است. مدرنیته سبب می‌شود که افراد هرچه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که سُنت در

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

جدول ۲: عوامل شکل‌دهنده به وضعیت نامطلوب مسکن معاصر (اقتباس از Naghizadeh 2013)

Table 2: Factors shaping the Unfavorable Situtation of Contemporary Housing (Naghizadeh 2013)

عوامل	تعریف
استقلال گرایی افراد و زوج‌ها	اینک به‌تبع جوانان غربی تا جوانان به سنّ بلوغ و دانشگاه و حداکثر به سنّ ازدواج می‌رسند، خواهان و مدعی استقلال هستند که در خانه پدری جایی نیست و اگر هم باشد، امکان مفاهمه با نسل گذشته نیست و بسیاری مسائل دیگر که هیچ‌کدام مسائل جامعهٔ ایرانی نبوده و به‌زور تبلیغ و تلقین به‌عنوان مسئله و مشکل به جامعه القاشده‌اند.
سوداگری	مدت‌های مدیدی است که موضوعی به نام «زمین‌بازی» یا «بورس‌بازی زمین» یا «نگرش به زمین به‌عنوان چیزی که می‌تواند زمینهٔ سرمایه‌گذاری و احتکار و افزایش درآمد باشد»، ذهن کثیری از مردمان را به خویش مشغول کرده است. در این فضای سوداگرانه که به چیزی جز افزایش سرمایه نمی‌اندیشد، سعی عمومی بر منطقی‌سازی موضوع و ترویج این نوع نگرش بوده است.
دگرگونی‌های رفتاری و فرهنگی	امروزه به دلایل عدیده‌ای ازجمله آن‌ها: توسعه فناوری، تقلید شیوه‌های کار و فعالیت، شیدایی نسبت به زندگی جوامع دیگر، رواج مُدها و تغییرات شیوهٔ زیست، زمینه‌سازِ شیوه زیست، خانه (مسکن)، به‌عنوان مکان آرامش و سکینه و محل قرار و نزول را به‌صورت محل ملاقات احتمالی اعضای خانواده درآورده است.
شیوهٔ معیشت	بسیاری از موضوعات مربوط به شیوهٔ معیشت و فعالیت ازجمله ساعات کار، فاصله و رابطه مکان کار و مسکن، ویژگی‌های زیست‌محیطی مکان‌های اِشتغال و فعالیت و لزوم شاغل بودن همهٔ اعضای خانواده برای گذران زندگی بر ویژگی‌های مسکن مطلوب تأثیر خواهد داشت.
وسایل زندگی	تغییرات وسایل زندگی که حاصل توسعهٔ فناوری، تحولات اقتصادی، تغییرات شیوهٔ زیست و تبعیت از مدهای جهانی هستند، از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فضاهای داخلی مسکن و تناسبات آن‌ها هستند.
مدها و تبلیغات	تغییرات سریع مدها و تبلیغاتی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم شیوهٔ خاصی از زندگی را در مقابل مردم به نمایش می‌گذارند، طبیعتاً هرکدام، فضاهای خاص خود را طلب می‌کنند. امروزه شرکت‌های چندملیتی هستند که دربارهٔ بسیاری از موضوعات زندگی مردمان و به ویژه، جهان سوم تصمیم می‌گیرند. آن‌ها به مردم این باور را القا می‌کنند که مهم نیست «کجا» زندگی می‌کنند، مهم این است که محصولات آن‌ها را مصرف کنند. با القا به این موضوع، به‌مرور قیدهایی همچون «چگونه»، «با چه کسی»، «چطور» و امثال این‌ها را به‌جای «کجا» قرار می‌دهند. همین روند به‌مرور، ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی جوامع را دگرگون خواهد کرد.
تربیت	نظام تربیتی و رفتاری (همچون گذشته اما با سرعت، تغییرات و تنوعی متفاوت)، خانه‌ها و سازمان فضایی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

اختیار آنان قرار می‌داد، رها شوند. بدین ترتیب، فرد را رو در روی تنوع پیچیده‌ای از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد. در دورهٔ «پسامدرنیسم»، «صنعتی شدن، رشد اقتصادی و تمکن مالی» فراهم آمده برای فرد و فردیت افراطی هنجار گریز، امکان انتخاب الگوی مصرف آزادانه‌تری را فراهم ساخته است. در این دوران، کنشگری فعال و عامل در فرایند تغییر، متکثر و مرکززدایی‌شده، بروز می‌کند. «شدن دائم» مشخصهٔ انسان مندرج در نظریه‌های پست‌مدرنیستی است (Razavizadeh 2007). در زندگی اجتماعی امروزی، مفهوم شیوهٔ زندگی معنای ویژه‌ای یافته است. هرچه نفوذ و کشش سُنت کمتر می‌شود و هرچه زندگی روزمره، بیشتر برحسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد ناچار می‌شوند که شیوهٔ زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند (Giddens 2002). این رهاشدگی به لحاظ فرهنگی، پدیده‌ای دولبه است؛ از جنبهٔ مثبت به معنای آزادی فوق‌العاده است و فرصت، برای تجربه و تکامل آن‌قدر زیاد شده که تصور آن برای نسل‌های پیشین غیرممکن بود. از جنبهٔ منفی، رهاشدگی فرهنگی به این معنا است که به فرد، فرصتِ تصمیم‌گیری شخصی داده می‌شود و این چیزی است که نسل‌های پیشین مجبور به انجام آن نبودند (Ellini 2014). از ویژگی‌های زندگی اجتماعی معاصر، ظهور سبک‌های گونه‌گون زندگی است که با انتخاب‌ها و اعمال فرهنگی نسبتاً ساخت‌یافته از شرایط مادی و محیطی، شغل، درآمد و زمینه‌های اجتماعی در ساخت آن مداخله دارند (Razavizadeh 2007). برای درک بهتر از رابطهٔ «سبک زندگی» و «مسکن»، با استفاده از مؤلفه‌های مرتبط در این دو حوزه، ویژگی‌های مسکن در ادوار مختلف را در قالب جدول شمارهٔ ۳، بررسی می‌کنیم.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

جدول ۳: ویژگی‌های «مسکن» در ادوار مختلف (Pourdeihimi 2012)

Table 3: Properties of "Housing" in Different Periods (Pourdeihimi 2012)

دوره‌ها/ مؤلفه‌ها	دوره سنتی	دوره سنتی- صنعتی	دوره صنعتی مدرن	دوره پس از مدرن
گونه مسکونی	خانه تک‌واحدی جمعی	خانه تک‌واحدی مستقل	مسکن اشتراکی	مسکن اشتراکی
شیوه زندگی خانواده	خانواده گسترده	خانواده هسته‌ای	خانواده هسته‌ای	خانواده هسته‌ای
شبکهٔ تعاملات	- خویشاوندی - قومی و طایفه‌ای	خویشاوندی	جامعه	مجازی
رسالت مسکن	- مکانی برای زندگی خانواده خویشاوندان - مکانی برای کار	- زندگی خانوادگی - کار نیمه‌صنعتی در واحد مسکونی	- جدایی مسکن از کار در درون واحد مسکونی	- زندگی خانوادگی - کار با ابزار الکترونیکی - تولید اطلاعات
اجزاء سازنده	- فضاهای چندمنظوره - فضاهای باز به‌عنوان فضای زندگی	- فضاهای چندمنظوره - استفاده از فضای باز به‌عنوان فضای زندگی و کار - ظهور فضایی مستقل برای کار در درون	- فضاهای تک منظوره - تأمین نیازهای فردی - ادغام فضاهای باز خصوصی در فضاهای شهری	- فضای زندگی خانواده و کار با ابزار الکترونیکی
عوامل تصمیم‌گیری (هدف)	بقا	کار	تأمین نیازهای فیزیولوژیکی	- زندگی انفرادی - کار با ابزار الکترونیکی
تسهیلات بهداشتی و رفاهی	- سرویس و آشپزخانهٔ جدا از فضای زندگی	- سرویس و آشپزخانهٔ جدا از فضای زندگی	- سرویس و آشپزخانه در درون فضای زندگی	- سرویس و آشپزخانه در درون فضای زندگی
شیوه همسازی با محیط	- یگانگی محیط طبیعی با زندگی	- باور به تکنولوژی و صنعت - بی‌اعتنایی به طبیعت	- وابستگی به صنعت - بی‌اعتنایی به طبیعت	- بازگشت به طبیعت
الگوی فضایی	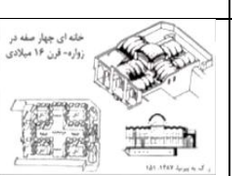	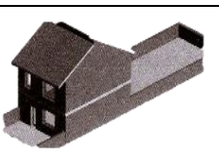	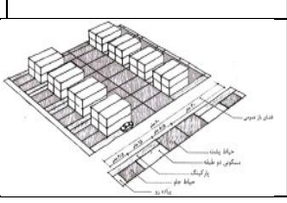	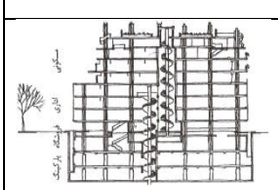

۱-۳. پیشینهٔ مطالعات انجام‌گرفته در حوزه مسکن و سبک زندگی

درزمینهٔ پیشینهٔ مطالعات انجام‌گرفته در حوزهٔ «مسکن» و «سبک زندگی» می‌توان به پژوهش‌هایی که بیشترین ارتباط را با واژگان کلیدی تحقیق دارند، اشاره کرد: افشاری و همکاران (Afshari et al. 2016) در پژوهش «سازگاری محیط با روش زندگی»، روش زندگی انسان را به‌عنوان یک مؤلفهٔ مهم فرهنگی می‌دانند که وجوه آشکار و پنهانی دارد و تحت تأثیر «ارزش‌ها، معانی ذهنی انسان و قابلیت‌های محیط»، محیط ساخته‌شده را متأثر می‌سازد و به‌طور پیوسته تغییر می‌دهد. از دیدگاه آن‌ها، سازگاری انسان و محیط، مسئله‌ای خلاق محسوب می‌شود و رکن مهم آن انطباق پیوستهٔ «قابلیت» و «معنی» است. زیرا تغییرات محیط ساخته‌شده، انعکاسی از ارزیابی و انطباق پیوسته «قابلیت- معنی» هستند. الهی زاده و سیروسی (Elahizadeh and Sirusi 2014) نیز در پژوهش دیگری با عنوان «الگوسازی مسکن بر پایهٔ سبک زندگی

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

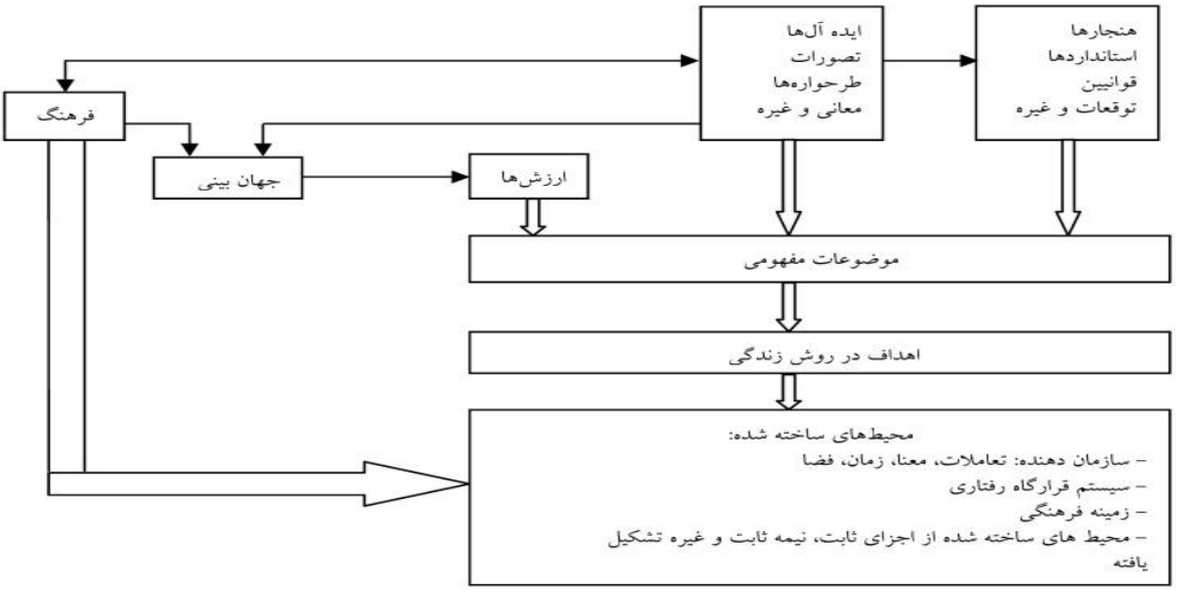

تصویر ۱: تجزیهٔ «روش زندگی» و تأثیر آن در ماهیت محیط‌های ساخته‌شده (Pourdeihimi 2011)
Fig. 1: Analysis of Lifestyle and its Impact on the Nature of Hardened Environments (Pourdeihimi 2011)

اسلامی» بیان کردند که برای تحقق این امر، فرهنگ‌سازان و علمای مذهبی نقش مهمی بر عهده‌دارند، آنان با نظارت جدی برساخت مسکن، از تولید انبوه خانه‌های بی‌هویت که تنها در جهت رفع نیازهای مادی است، باید جلوگیری کنند. پوردیهیمی(Pourdeihimi 2011) نیز در پژوهشی تحت عنوان «فرهنگ و مسکن» به نقش فرهنگ در سه مورد «روش زندگی، جنبه‌های ذهنی انسان و عادات و همسازی با محیط‌های مختلف» در فرایند شکل‌گیری مسکن اشاره می‌کند و «روش زندگی» را به بسیاری از جنبه‌های رفتاری وابسته می‌داند که در طراحی محیط‌های مختلف از طریق تأثیرات متقابل محیط و رفتار، روش استفاده از فضاها را تعیین می‌کند. درواقع، «روش زندگی» که منتج از رفتارها و سیستم‌های رفتاری است، «ارزش‌های فرهنگی» را در درون خود به همراه دارد.

در پژوهش حاضر، آثار و پیامدهای جهانی‌شدن بر سبک زندگی و درنهایت، اثرگذاری آن بر شکل مسکن موردبررسی قرار می‌گیرد و مفهوم‌سازی رسالت «سبک زندگی اسلامی» به‌عنوان ظرف و مقوم شکل‌دهنده به «مسکن ایرانی اسلامی» موردتوجه قرار می‌گیرد که تاکنون پژوهشی با این رویکرد و ابعاد، مورد کندوکاو قرار نگرفته است.

۲. تعریف واژگان کلیدی پژوهش

۲-۱. جهانی‌شدن (Globalization)

واژهٔ «Globalization» را به «جهانی‌شدن» و «جهانی‌سازی» ترجمه می‌کنند؛ با نگرشی سطحی ممکن است این دو اصطلاح مترادف به نظر آیند، اما این دو ترجمه به لحاظ بار معنایی و واقعیت کاربردی و ابزاری که منعکس می‌کنند باهم تفاوت زیادی دارند: الف) در ترجمهٔ اول یعنی «جهانی‌شدن»، القای نوعی عدم اراده و اختیار، موردنظر است و می‌خواهد این پیام را به خواننده منتقل کند که جهانی‌شدن، واقعیتی است ملموس و ضرورتی است گریزناپذیر که هر جامعه اگر خواهان رفاه شهروندانش باشد، چاره‌ای ندارد جز این‌که خود را این جریان نیرومند، ضروری و مفید به حال کشورها و به حال جامعه بشری، سازگار کند و با طیب خاطر، به مقتضیات آن گردن نهد. ب) در ترجمهٔ دوم یعنی «جهانی‌سازی»، سعی بر این است که به واقعیت دیگری اشاره شود و آن این‌که جهانی‌سازی طرحی است که توسط کشورهای ثروتمند و قدرتمند دنیا و در رأس آن‌ها آمریکا، تدوین‌شده و منظور از آن، ادامهٔ سلطهٔ اقتصادی، سیاسی و نظامی بر دیگر کشورهای عالم است (Kavusi and Hosseinzadegan 2011). با رجوع به ادبیات معاصر، در جدول شمارهٔ ٤ به تحلیل واژهٔ «جهانی‌شدن»، پرداخته شده است.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

جدول ٤: تحلیل واژۀ «جهانی‌شدن» (اقتباس از Harvy 1989; Rajaei 2001; Shahidi 2006; Shahidi 2007; Pourhassan Darzi 2009; Rastegar and Rezaei 2013)

Table 4: Analysis of the Word "Globalization"(Harvy 1989; Rajaei 2001; Shahidi 2006; Shahidi 2007; Pourhassan Darzi 2009; Rastegar and Rezaei 2013)

		تعاریف
پیشینه «نظریه جهانی‌شدن»		هاروی پیشینۀجهانی‌شدن را به دورۀ رنسانس می‌کشاند اما معتقد است فرایند فشردگی فضا و زمان در نیمۀ دوم سدۀ نوزدهم و اوایل سدۀ بیستم شتاب گرفت که مسئلۀ تجدد و پدیداری گرایش و ارزش‌های عام، مهم‌ترین علت آن محسوب می‌شود. در بررسی تاریخچه «جهانی‌شدن» می‌توان به دو عامل، به‌عنوان عوامل تقویت‌کننده و تشدیدکننده نظریۀ «جهانی‌شدن» اشاره کرد: ۱) رشد روزافزون فنّاوری‌های پیشرفته به‌خصوص فنّاوری‌های «ارتباطی- اطلاعاتی» به ویژه به وجود آمدن شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای؛ ۲)به وجود آمدن پیمان‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بین کشورها به‌منظور گسترش روابط اقتصادی و بازرگانی کشورها و گشوده شدن مرزهای کشورها بر روی یکدیگر که منجر به تأسیس سازمان‌هایی چون: کمیسیون اروپا، پیمان شینگن، پارلمان اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی و ... شد.
واژه‌شناسی «Globalization»		«جهانی‌شدن» معادل واژۀ لاتین «Globalization» از واژۀ «Global» به معنای «هر چیز عام، کلی و تمام (Total)» اشتقاق یافته و اسم مصدر «Glob» است که خود به معنی «گستری و فراگیری» است؛ «جهانی‌شدن» را باید به معنای «جهان‌گستری، جهان‌شمولی و عام» به کاربرد.
پنج تعریف جامع از «Globalization» در ادبیات معاصر	**تعریف اول: «جهانی‌شدن» به معنای «بین‌المللی شدن»**	در این تعریف، رشد تبادل بین‌المللی و وابستگی بین کشورها را توصیف می‌کند و تعریفی جدید از روابط بین کشورها و جایگزینی اقتصاد بین‌المللی به‌جای اقتصاد ملی ارائه می‌دهد.
	تعریف دوم: «جهانی‌شدن» به معنای «آزادسازی»	میزان تعریف «جهانی‌شدن» در ارتباط با فرایند حذف موانع تجاری و کنترل سرمایه است که از طرف دولت بر تحرکات بین کشورها تحمیل می‌شود؛ در این معنی، هدف، ایجاد دنیای اقتصادی بدون مرز است.
	تعریف سوم: «جهانی‌شدن» به معنای «همگانی شدن» و «یکی شدن»	بر اساس این تعریف، جهانی‌شدن فرایند اشاعۀ کالاها و ایده‌ها و تجربیات به مردم سراسر دنیا است که می‌توان به اشاعۀ کامپیوتر، ماهواره و وسایل ارتباطی مانند تلفن همراه اشاره کرد.
	تعریف چهارم: «جهانی‌شدن» به معنای «غربی شدن» یا «مدرنیزه شدن»	این تعریف، جهانی‌شدن را به معنای نیروی پویایی می‌بینند که در آن ساختارهای مدرنیته مانند کاپیتالیسم، صنعتی شدن و بروکراسی، بر دنیا چیره شده و فرهنگ‌های محلی را نابود می‌کند.
	تعریف پنجم: «جهانی‌شدن» به معنای «قلمرو زدایی» یا «ادغام قمروها در هم و تبدیل آن به قلمروی واحد»	در این تعریف، جهانی‌شدن برهم زدن و برداشتن فضاها، محدوده‌ها و فاصله‌ها و مرزهای جغرافیایی است.
دیدگاه اندیشمندان در ارتباط با واژۀ «جهانی‌شدن»	**تاملینسون**	عقیده دارد که جهانی‌شدن باید در قلمروی «فرهنگ» موردتوجه قرار گیرد که به منطقه‌گرایی فرهنگی می‌انجامد؛ یعنی وابستگی فرهنگ، به محل، منطقه و سرزمین خاص را از میان بر می‌دارد.
	گیدنز	جهانی‌شدن را پدیده‌ای می‌داند که بیشتر مردم را در وضعیتی قرار می‌دهد که نهادها و فعالیت‌های آن‌ها، از طریق روابط اجتماعی، جهانی می‌شوند و این امر، جنبه‌های اصلی زندگی آن‌ها را سازمان‌دهی می‌کند. جهانی‌شدن با تجدد معنا می‌یابد. با مدرنیته، نظم سنتی فضا و زمان، از بین رفت و جدایی میان این دو، شتاب گرفت. او جهانی شدن را سبب تقویت مناسبات اجتماعی می‌داند که محل‌های جغرافیایی دور از هم را چنان به هم ربط می‌دهد که هر واقعۀ محلی تحت تأثیر رویدادی که با آن فرسنگ‌ها فاصله دارد، شکل می‌گیرد.
	هالاک	جهانی‌شدن، ترکیبی از تجارت آزاد کالا و خدماتی است که با تحرک آزاد سرمایه همراه باشد.
	هابرماس	جهانی‌شدن درواقع همکاری آگاهانه و یا الزامی ملت‌ها و فرهنگ‌ها جهت زیستن در یک جامعۀ واحد جهانی است.
	مانوئل کاستلز	جهانی‌شدن را نوعی ظهور جامعۀ شبکه‌ای می‌داند که در ادامۀ حرکت سرمایه‌داری، اقتصاد بهینه، جامعه و فرهنگ را در برمی گیرد.
	اسپرلینگ	جهانی‌شدن را نیروی غالبی می‌داند که محیط‌های متعددی را که در آن زندگی می‌کنیم، به‌طور مثبت شکل می‌دهد و عقیده دارد که این نیروهای اقتصادی و هدایت تکنولوژی‌های ارتباطات دیجیتالی بین افراد یا سازمان‌هایی که در جهان حضور دارند،

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

		بر این پدیده مؤثر است و اشکال جدید واکنش‌های محلی و ابراز هویت را به وجود می‌آورد.
	هاروی	جهانی‌شدن متضمن دو عنصر «فشردگی در زمان و مکان» و «کاستن از فاصله‌ها» است.
	جان‌گری	شکلی نابهنجار و بدوی از مدرنیته که به سراسر جهان فرافکنده شده است.
	مک‌گرو	جهانی‌شدن عبارت است از گسترش روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است. جهانی‌شدن، تشدید صرف پیوند متقابل جهانی است، پیوندها و روابط اجتماعی و ساختاری مانند افزایش عبور کالا و اطلاعات مردم و سرمایه‌ها، کوتاه شدن مبادلهٔ پیام‌ها از طریق پیام‌رسانی الکترونیکی.

۲-۲. سبک زندگی اسلامی (Islamic Lifestyle)

«سبک زندگی» کـه معـادل عربـی آن «نهـج‌الحیـاه» و معـادل انگلیسی آن «Life Style» است به معنی «روش زندگی کـردن» است و به عبارت دقیق‌تر، سـبک زنـدگی، طیـف وسـیعی از مسائل از قبیـل اعتقـادات و افکـار و فعالیـت‌هـای انسـان در ارتبـاط بـا خداونـد و خویشـتن و جامعـه را در برمـی‌گیـرد (Kowsarinia 2013). «سبک زنـدگی اسـلامی» یعنـی نـوعی شیوهٔ زندگی که بر اساس آمـوزه‌هـا و ارزش‌هـای اسـلامی و قرآنی بناشده باشد. قرآن که برنامهٔ زندگی بشر اسـت بهتـرین شیوه را برای زندگی به انسان نشان داده است که درنهایـت او را بـه سـعادت دنیـا و آخـرت رهنمـون شـود. قـرآن کـریم به‌صراحت تمام رسالت خـود را ارائـهٔ برنامـه بـرای هـدایت انسان‌ها «أُنزِلَ فیهِ القُرآن هدی لِلنّاس(سوره بقره، آیه ۱۸۵)» و رسالت پیـامبر(ص) را تـلاوت قـرآن، تعلـیم کتـاب و تزکیـه انسان‌ها «لَقَد منَّ اللهُ علی‌المؤمنینَ اذ بَعَـثَ فـیهِم رسـولا مـن أنفُسِهِم یتلُو عَلَیهم آیاتِه وَ یزکّیهِم و یعَلِّمُهُم‌الکِتابَ و الحکمـه و إن کانُوا مِن قَبلُ لَفی ضـلالٍ مُبـین (سـوره آل‌عمـران، آیـه ١٦٤)» بیان می‌کند (Heydarpour et al. 2018). پیـامبر اکـرم (ص) و ائمه معصومین (ع)، روش زندگی انسان را در قالـب سخنان و اندرزهای اخلاقی و حکیمانه به ما ارائـه کـرده‌انـد، همچنین صحیح‌ترین سبک زندگی را بایـد از سُـنت و سـیرهٔ این بزرگواران که نمونه‌های واقعی انسان کامـل هسـتند، فـرا بگیـریم و در زنـدگی بـه کـار بـریم (Kowsarinia 2013, 6). «اسلامی بودن آداب» و «توحیدی بودن شیوهٔ زندگی» به ایـن معنا است که «سبک زنـدگی»، بسترسـاز «عبودیـت الهـی» در حیات انسانی باشد؛ به قول علامه طباطبایی «ادب الهی، انجام عمل بر هیئت توحید است». بـه‌ایـن‌ترتیـب، «آداب اسـلامی» عمدتاً «آداب بندگی» است یعنی «جلوه‌های ظاهری عبودیت» و «تصویر توحید در ظواهر انسـان». «آداب اسـلامی»، سـبک زندگی و انضباط رفتـاری‌ای اسـت کـه تحـت آرمـان عـالی عبودیت قـرار دارد. کسـی کـه عبودیـت و بنـدگی را مقصـد حیات خود می‌بیند، نمی‌توانـد نسـبت بـه چگـونگی زنـدگی خود بی‌تفاوت باشد. بلکه همهٔ شئون زندگی خود را از نمـاز و عبادت تا کسـب‌وکـار و تحصـیل و تفـریح و معاشـرت و بهداشت و خوراک و معماری و هنر و سخن گفتن و تولید و مصرف و آراستگی ظاهری و... در مسیر بندگی قرار می‌دهـد (Alemzadeh Nouri 2016). «مفـاهیم اسـلامی» سـاختار و کارکردی نظام‌مند دارد و ازنظر ساختاری، دارای «مرز» اسـت و خود را از غیـر خـود متمـایز مـی‌سـازد. سیسـتم مفهـومی درون‌شُدهای اطلاعات و بـرون‌شـدهای اطلاعـات و انـرژی دارد. «تولیدکنندهٔ» اولیـهٔ اطلاعـات، «قـرآن و عتـرت» اسـت؛ «توزیع‌کننده‌های» آن عبارت هستند از: ارکان تعلـیم و تربیـت مثل محدثان و مبلغان اسلامی، کتاب‌های تفسیری و روایـی و ...؛ «تبدیل‌کننده‌های» آن عبارت هستند از: صاحب‌نظران علوم انسانی که آن مواد خام را تبدیل به مواد قابل‌جذب مـی‌کننـد؛ مصرف‌کننده‌هـای آن عبـارت هسـتند از: جوامـع مسـلمان و مسئولان اجرایی آن‌ها؛ «دفع‌کننده‌ها» در این سیسـتم مفهـومی عبـارت هسـتند از: متکلمـان و محققـان اسـلامی؛ «موتـور حرکـت» عبـارت اسـت از: انگیـزه‌هـای متعـالی انسـانی و پاداش‌هـای اُخـروی و عالمـان دینـی کـه مرتـب یـادآور آن انگیزه‌ها می‌شوند... هرکدام ازآنچه ذکر شـد، یکـی از عناصـر این سیستم محسوب می‌شوند. روح این سیستم، عبارت است از یک معرفت و تعبّد بسیار متعـالی کـه سـبب قـرب الـی‌الله است و آن حدّ از معرفت و تعبّد، در پنـاه تمـام سیسـتم‌هـای فرعی اسلام حاصل می‌شود. این سیستم در مقام باور و عمـل (آمدگی برای عمل) نیـز، یـک سیسـتم بـه‌هـم‌پیوسـته اسـت (Kaviani 2012, 108-109). «نمازخوانـدن و شـکیبایی کـردن (سوره بقره، آیه ۱۵۳)، اعتقاد به زنده‌بودن شهدا (سوره بقـره،

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

آیه ١٥٤)، روزه گرفتن (سوره بقره، آیه ١٨٣)، صلح و آشتی با یکدیگر (سوره بقره، آیه ٢٠٨)، حفظ شعائر دینی (سوره مائده، آیه ٢)، اعتقاد به مبدأ، معاد، شفاعت و پذیرش ولایت خدا (سوره نساء، آیه ٤٥)، وفای به عهد (سوره اسراء، آیه ٣٤)، استقامت در برابر مشکلات، هوس‌ها و مراقبت از مرزها (سوره آل‌عمران، آیه ٢٠٠)، به دنبال اُمور پاکیزه گشتن (سوره مائده، آیه ١٠٠)» و ... بخش‌های کوچکی از هنجارهای سیستم مفهومی اسلام است. بعضی از اُمور ناهنجار در این سیستم عبارت هستند از: دوست گرفتن از کافران (سوره نساء، آیه ١٣٩)، تصرف باطل در اموال دیگران (سوره بقره، آیه ١٨٨)، توجه بیش از نیاز به دنیا و مظاهر دنیوی و مسخره کردن اهلِ ایمان (سوره بقره، آیه ٢١٢)، ترک نماز (سوره بقره، آیه ٢٣٨)، اسراف و تبذیر (سوره اسراء، آیه ٢٧)، توجه زیاد اموال و اولاد (سوره کهف، آیه ٤٦)، نومیدی از رحمت خدا (سوره زمر، آیه ٥٣)، رشوه‌خواری و رباخواری (سوره بقره، آیات ٢٧٨– ٢٧٩) و به‌طورکلی هر آنچه درآیات و روایات مورد منع و نهی قرارگرفته است (Heydarpour et al. 2018, 41).

اسلام و سبک زندگی اسلامی، به‌صورت همه‌یاهیچ نیست بلکه یک پیوستار بزرگ است که مراتب بسیار پایین و مراتب بسیار بالا دارد. آیات و روایات متعددی وجود دارند که درآن‌ها آمده است: «خداوند به ایمان آورده‌ها، دوباره امر به ایمان آوردن می‌کند (سوره نساء، آیه ١٣٦)»، این نکته اشاره به‌مراتب ایمان دارد. ازنظر قرآن، این حالت پیوستاری، در بُعد مقابل ایمان نیز وجود دارد (Heydarpour et al. 2018).

جدول ٥: تحلیل «سبک زندگی اسلامی» به اجزای سازندهٔ آن (اقتباس از Ebrahimipour and Rahimi 2017)

Table 5: Analysis of “Islamic Lifestyle” to its Components(Ebrahimipour and Rahimi 2017)

عوامل		تعریف
محورهای سبک زندگی اسلامی	اعتقادات	اصول اعتقادی اسلام یعنی «ایمان و عقیده به توحید، نبوت و معاد». این سه اصل، شالوده دیانت اسلام را تشکیل می‌دهند.
	اخلاقیات	یعنی مسلمان، ویژگی‌های درونی و روانی خود را به‌گونه‌ای بسازد که با کلیت این سیستم مفهومی، هماهنگ و منطبق باشد. شاید محکم‌ترین تعبیر قرآن در این زمینه همان «تقوا» باشد که می‌توان آن را «ترس آمیخته با احترام از خداوند» معنا کرد.
	وظایف عملی و عبادات	ازآنجایی‌که پیام اصلی اسلام، «توحید» است و یکی از مراحل آن، توحید در عبادات است؛ پس از قبولی و اقرار زبانی به اصول فوق، باید عمل به ارکان را مکمل موجود بودن شمرد. «عبادات یا وظایف عملی»، بخش مهمی از مجموعه اعمال و رفتارها را تشکیل می‌دهند که در فرهنگ اسلامی به‌عنوان فروع دین شناخته‌شده‌اند و در کنار اصول دین قرار دارند.
مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی	اجتماعی	مؤلفه «اجتماعی» به وظایفی اشاره دارد که فرد در ارتباط با دیگران، فراتر از خود و خانواده هسته‌ای خود انجام می‌دهد.
	عبادی	مؤلفه «عبادی» به وظایفی اشاره دارد که رابطهٔ بین فرد و خداوند را به‌عنوان عبد و مولا نشان می‌دهد و اعم است از عبادات مشخص، مثل: «نماز، روزه، تلاوت قرآن، ذکرهای مستحبی، حج و ...» و رفتارهایی که رسماً نام عبادت ندارند اما فرد به نیت اطاعت از خداوند آن‌ها را انجام می‌دهد.
	باورها	مؤلفهٔ «باورها» به مفاهیم هستی شناختی، انسان‌شناختی، خدا شناختی و ... اشاره دارد به این‌که در فرد درونی شده و در لایه‌های زیرین عاطفی و شناختی او حضور دارند و به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارها دارند.
	اخلاق	مؤلفهٔ «اخلاق» به صفات و رفتارهای درونی‌شده‌ای از فرد گفته می‌شود که وظیفه رسمی و قانونی او شمرده نمی‌شود و با ترک یا انجام آن، کسی او را مؤاخذه یا تشویق نمی‌کند. در اینجا به بُعد فردی و اجتماعی اخلاق، نظر می‌شود.
	مالی	مؤلفهٔ «مالی» به رفتارهایی از فرد اشاره دارد که مستقیم یا غیرمستقیم، به امور اقتصادی و مادی زندگی مربوط می‌شود و اموری مثل شغل، املاک، کیفیت دخل‌وخرج و ... را شامل می‌شود.
	خانواده	مؤلفهٔ «خانواده» به رفتارها و روابط فرد از این حیث که عضوی از یک خانواده هسته‌ای است، اشاره دارد؛ یعنی زن، شوهر و فرزندان.
	سلامت	مؤلفهٔ «سلامت» به اموری نظر دارد که در سلامت جسمانی و روانی فرد ایفای نقش می‌کنند و تغذیه، بهداشت، فعالیت بدنی، تفریح، بازی، لذت‌های زندگی، سیاحت و زیارت، خواب و استراحت، دیدوبازدید، ظاهر زشت یا زیبای فرد و ... را شامل می‌شود.
	تفکر و علم	مؤلفهٔ «تفکر و علم» به وظایف شناختی فرد اشاره دارد؛ اعم از شناخت‌های موجود در فرد، تلاش برای افزایش شناخت‌های خود و جایگاهی که فرد برای علم و تفکر قائل است.
	دفاعی– امنیتی	مؤلفهٔ «دفاعی– امنیتی» به وظایفی اشاره دارد که به‌صورت فردی یا اجتماعی به امنیت افراد و جامعه مربوط می‌شود؛ مثل حفظ مرزها، انتظامات داخلی شهرها و روستاها، شناسایی و مجازات مجرمان در دعواهای خصوصی افراد و ... .

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

	زمان‌شناسی		مؤلفهٔ «زمان‌شناسی» به وظایف فرد در خصوص استفادهٔ بهینه از «زمان» مربوط می‌شود.
شاخص‌های سبک زندگی اسلامی	**فردی**	**تقوا گرایی و خدامحوری**	تقوای الهی یعنی این‌که انسان خود را از آنچه ازنظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده، خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته‌شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آن‌ها نشود. تقوا در درجهٔ اول و به‌طور مستقیم از ناحیهٔ اخلاقی و معنوی به انسان، آزادی می‌دهد و او از قید رقیت و بندگی هواوهوس آزاد می‌کند.
		تفکر	یکی از شاخصه‌های مهم سبک زندگی فردی، «تفکر و معرفت» است، زیرا بعد از تفکر و معرفت، حرکت صورت می‌گیرد. انسان برای فهم سبک زندگی، باید ابتدا خود را بشناسد؛ باید ویژگی‌ها و ظرفیت خود مانند فطرت انسانی‌اش را بشناسد. در نگاه امام حسین (ع)، مؤمن برای تقرب به خداوند، از تفکر برای شناخت خود شروع می‌کند و برای شناخت خود، ملاک دارد نه احساس.
		راست‌گویی و صداقت	صداقت یا راست‌گویی یکی از بهترین ویژگی‌هایی است که هر انسان سالمی می‌تواند از آن برخوردار باشد. «صداقت» ابزار قدرتمندی برای ساختن اعتبار و اطمینان است. خداوند در آیهٔ ۱۱۹ سورهٔ مائده می‌فرماید: «روز قیامت تنها کسانی رستگار می‌شوند و از آتش دوزخ رهایی می‌یابند که راست‌گو باشند. امروز روزی است که تنها صدق و راستیِ راست‌گویان به فریاد ایشان می‌رسد و سربلند و پیروز از آزمون دنیا بیرون می‌آیند».
		اهمیت دادن به‌سلامتی	مواظبت بر طعام، یکی از عوامل سلامتی بدن است. در غذا می‌گوید اگر کسی غذایش کم باشد، بدنش سالم‌تر می‌ماند و قلبش هم باصفا می‌شود.
		صبر و خویشتن‌داری	بردباری و خویشتن‌داری، از مهارت‌هایی است که بدون آن، تحمل شکست‌ها و ناکامی‌ها ناممکن می‌نماید. امام حسین (ع) می‌فرمایند: «بردباری، زیور مؤمن است».
	اجتماعی	**تلاش و کوشش**	اسلام اهمیت زیادی به کار و تلاش داده است و انسان را از کسلی و تنبلی بر حذر داشته است؛ در روایتی داریم: «کسالت به دین و دنیای انسان ضرر می‌رساند».
		اعتدال و میانه‌روی	**افکار**: منشأ همهٔ تصمیمات آدمی، فکر و اندیشهٔ اوست؛ اگر فکر معتدل و مستقیم باشد، رفتار فرد، راه اعتدال می‌پوید و اگر اندیشه به بیماری عدم اعتدال گرفتار شود، اعمال انسان نیز به آفت افراط‌وتفریط دچار می‌شود. **کردار**: رفتار عادلانه، نتیجهٔ اندیشهٔ معتدل است و مؤمنان با تصحیح افکار و عقاید خویش، به تعدیل کردار خود می‌پردازند. **گفتار**: زبان یکی از فعال‌ترین اعضای بدن آدمی است و به نمایندگی از همهٔ اعضا، با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، پیمان می‌بندد و ...؛ به همین دلیل باید به‌دقت کنترل شود؛ تربیت شود تا به میانه‌روی و اعتدال عادت کند.
		پایبندی به خانواده	اسلام به نهاد خانواده اهتمام ویژه‌ای دارد؛ خانواده، شاهراه اصلی رسیدن به پیشرفت و کمال است. در آیه ۷۴ سوره فرقان: «و کسانی که می‌گویند ما را از همسرانمان نور چشمان ببخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان»؛ این آیه بر اهمیت خانواده اشاره دارد و پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایدئال پرهیزکاران معرفی می‌کند.
		صلهٔ رحم	در خانواده، والدین با آگاهی دادن فرزندان خویش با آداب مهمانی، آن‌ها را در طی مراحل کمال در زندگی خویش یاری کنند. رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «هنگامی‌که علم پدیدار، ولی از عمل به آن خودداری شود و زبان‌های مردم (در ظاهر) موافق و دل‌های آنان (در باطن) مخالف یکدیگر باشد و قطع رحم رواج پیدا کند، در چنین روزی خداوند بر آن مردم لعنت می‌کند و آن‌ها را کنگ و نابینا می‌سازد تا از دیدن و شنیدن حقایق محروم گردند».
		دوری از اسراف و تبذیر	اسراف به معنای افراط و تجاوز از حد در هر کاری است و تبذیر به معنای پراکندن و بذرافشانی است، به کنایه برای ضایع کردن ثروت به‌کار می‌رود. ازنظر عرف و عقل و از دیدگاه شرع، نکوهیده و محکوم هستند.
مدل‌سازی مرکزی - شماعی سبک زندگی اسلامی			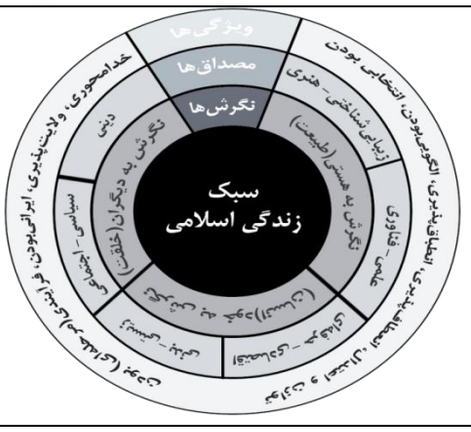

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

۲-۲-۱. مفهوم‌پردازی واژهٔ «ایرانی بودن» در «سبک زندگی اسلامی ایرانی»

مراد از «ایرانی بودن» این است که سبک زندگی اسلامی با همهٔ اهداف و اصول اسلامی خود باید «ایرانی» هم باشد، زیرا «ایران» ظرف این «سبک زندگی اسلامی» است و میان ظرف و مظروف باید تناسبی برقرار باشد. ایران کشوری است با تاریخ کهن و فرهنگ غنی و متنوع، با موقعیتی سیاسی-جغرافیایی حساس در جهان، جمعیتی جوان و بااستعداد و مردمی نوع‌دوست، وطن‌دوست و فداکار، با اقوام و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون دارد که با گفتمانی انقلابی، پُر امید و بانشاط توانسته است در طول هشت سال دفاع مقدس از خاک و وطن خود دفاع و توطئه‌ها و تحریم‌های دشمنان را سرکوب کند. همهٔ این ویژگی‌ها و بسیاری دیگر از اُموری که به ایران تعلق دارد، همه و همه از اُموری است که باید در سبک زندگی در کنار وصف «اسلامی بودن» که به همهٔ ملل مسلمان تعلق دارد، موردتوجه قرار گیرد. «سبک زندگی اسلامی‌ایرانی» بر مبنای منابع اسلامی: قاعده، منطق و الگوی منظمی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای مختلفی متناسب با خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و بومی کشور است که فرد مسلمان ایرانی، آن را بر اساس آگاهی و دانایی کامل نسبت به جهان‌بینی «خدامحور» دین اسلام انتخاب می‌کند (Heydar Pour et al. 2018).

۲-۲-۲. حیات طیبه

«سبک زندگی اسلامی» که در آن، ایمان و عمل صالح جایگاه ویژه‌ای دارد و درآیات مختلف قرآن و روایات وارده از معصومین (ع) به آن توصیه‌شده است، همان راه دستیابی به «حیات طیبه‌ای» است که خداوند در قرآن، انسان‌ها را به آن وعده داده است (Kowsarinia 2013). قرآن کریم در آیهٔ شریفهٔ «مَن عَمِلَ صالحاً مِن ذَکَر أو اُنثی وَ هُوَ مؤمِنٌ فَلَنُحیِیَنَّهُ حیاه طَیِّبه وَ لَنجزِیَنَّهُم أجرَهُم بِأحسن ما کانوا یَعلمون (سوره نحل، آیه ۷۹)»؛ نتیجهٔ اعمال صالح توأم باایمان را بیان کرده و آن را «حیات طیبه» دانسته است، بدین معنا که تنها عامل دستیابی به «حیات طیبه» را «ایمان» و «عمل صالح» زاییده از آن می‌داند و هیچ قیدوشرط دیگری را دخیل نمی‌داند (Heydarpour et al. 2018). در کتاب «تفسیر نمونه» جناب مکارم شیرازی، وجوهی در مورد حیات طیبه نقل‌شده مثل: «روزی حلال، قناعت و رضا دادن به نصیب، رزق روزانه، عبادت توأم با روزی حلال و توفیق بر اطاعت فرمان خدا»؛ ولی به نظر ایشان حیات طیبه، مفهومش آن چنان وسیع و گسترده است که همه این‌ها و غیر این‌ها را در برمی‌گیرد، زندگی پاکیزه از هر نظر، پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها و خیانت‌ها، عداوت‌ها و دشمنی‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هرگونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد، ولی با توجه به این‌که در دنبال آن سخن از «جزای الهی» به نحو احسن به میان آمده است، استفاده می‌شود که «حیات طیبه» مربوط به «دنیا» و «جزای احسن» مربوط به آخرت است (Makarem Shirazi 1995 Quoted by Kowsarinia 2013).

مؤمن در پرتو ایمان و عمل‌صالح به حیاتی طیب دست می‌یابد که دستاوردهای آن حیات عبارت هستند از: ۱) نورانیتی علمی و عقلی پیدا می‌کند که به‌وسیلهٔ آن در صراط مستقیم الهی، رُشد و تعالی می‌یابد. ۲) به زندگی پاکیزه‌ای دست می‌یابد که از همهٔ آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، عداوت‌ها، دشمنی‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها، شقاوت‌ها، بیماری‌ها و فقرها، مبرّا است. ۳) به مقام «رضا و خشنودی» ازآنچه خداداده است نائل می‌شود؛ و این قرآن است که چنین زندگی را پیش روی مؤمنان گذاشته است و به معرفی آن می‌پردازد (Kowsarinia 2013).

۲-۳. مسکن ایرانی اسلامی

درزمینهٔ طراحی معماری، نه قرآن و نه احادیث، به طور صریح، جزئیات کاملی در مورد طراحی و ساختار خانه ارائه نکرده‌اند و ازآنجا که همواره سلایق سنتی در طول زمان و مکان‌های مختلف متفاوت هستند، در نتیجه اسلام کلیهٔ طرح‌ها را تا زمانی که با شریعت اسلام متضاد نباشند، می‌پذیرد. از طرفی دیگر بامطالعه و بررسی دقیق آیات قرآن و احادیث، می‌توان الگوها و اصولی را به‌عنوان طرح‌های

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

جدول ٦: مفهوم‌پردازی «حیات طیبه» و مؤلفه‌های سازندهٔ آن (اقتباس از Tabatabaei 1995; Tayyeb 1999; Mohammadi Rey Shahri 2005; Ragheb Isfahani 2006; Bistuni 2012; Kowsarinia 2013)

Table 6: Conceptualization of "Pure Life" and Its Constituent Components(Tabatabaei 1995; Tayyeb 1999; Mohammadi Rey Shahri 2005; Ragheb Isfahani 2006; Bistuni 2012; Kowsarinia 2013)

مؤلفه‌ها		تعریف
واژه‌شناسی «حیات طیبه»	حیات	این کلمه در قرآن کریم وجوه و استعمالات گوناگونی دارد ازجمله این معانی: ۱) «قوهٔ نامیه» که در گیاهان و حیوانات موجود است: «أعلَمُوا أنَّ اللهَ یُحیِی‌الأرضَ بَعدَ مَوتِهَا قَد بَیَّنَا لَکُمُ الآیاتِ لَعَلَّکُم تَعقِلون: بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند، به‌راستی آیات (خود) را برای شما روشن گرانیده‌ایم، باشد که بیندیشید (سوره حدید، آیه ۱۷)». ۲) «قوهٔ حساسه یا حاسه» که حیوان به جهت دارا بودن این قوه، «حیوان» نامیده شده است: «وَ مَا یَستَوِی‌الأحیَاء وَ لَا الأمواتُ...: و زندگان و مردگان یکسان نیستند (سوره فاطر، آیه ۲۲)». ۳) «قوهٔ عامله عاقله»: «أوَمَن کَانَ مَیتا فَأحیَینَاهُ وَ جَعَلنَالَهُ نُوراً یَمشِی بِهِ فِی‌النَّاس...: آیا کسی که مرده (دل) بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود (سوره انعام، آیه ۱۲۲)». ٤) «برطرف شدن غم و اندوه»: «وَ لاَتَحسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللهِ أمواتًا بَل أحیاء...: هرگز کسانی را که درراه خدا کشته‌شده‌اند مرده مپندار بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند (سوره آل‌عمران، آیه ١٦٩)». ٥) «حیات اُخروی و ابدی» که با عقل و علم می‌توان به آن رسید: «... استَجِیبُوا لِلهِ وَ لِلرَّسُولِ إذَا دَعَاکُم لِمَا یُحیِیکُم...: چون خدا و پیامبر شمارا به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید (سوره انفال، آیه ٢٤)». ٦) «حیات الهی» که به معنای علم و قدرت با لذات است و زوال‌وفنا در آن نیست: «وَ تَوَکَّل عَلَی الحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ سَبِّح بِحَمدِهِ وَ کَفَی بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِیراً: و بر آن زنده که نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح‌گوی و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است (سوره فرقان، آیه ۵۸)»؛ حیات به اعتبار دنیا و آخرت دو گونه است: حیات دنیوی و حیات اُخروی؛ و حیات در آیهٔ: «وَ لَکُم فِی القِصَاصِ حَیَاةٌ...(سوره بقره، آیه ۱۷۹)» یعنی «حیات اجتماعی» و در آیهٔ: «... وَ مَن أحیَاهَا فَکَأنَّمَا أحیَا النَّاسَ جَمِیعًا...(سوره مائده، آیه ۳۲)»، مقصود «نجات دادن از هلاکت و گمراهی» است.
	طیب	کلمهٔ «طیّب» در اصل به معنای چیزی است که حواسّ و نفس انسان از آن لذت ببرد و ضدّ آن، خبیث است. «طیّب» یعنی «طاهر، پاک، پاکیزه و حلال». در «التحقیق» آمده که: حیات ضد موت است و آن ادامه زندگی انسان بر آنچه حق او محسوب می‌شود، است و ازآنجا که انسان دو جنبه دارد، از یک‌سو جهت جسمی و دیگری جهت روحی؛ پس باید هر دو لحاظ شود و هر دو طرف باهم تأمین شود؛ و حرکت بدن و قوای آن در مسیر معتدل و بدون انحراف و سلوک روح و سیر آن در مسیر روحانی و عقلی به‌سوی کمال و لقای پروردگارش، همان پاکی از هر آلودگی و ناپاکی است در ظاهر و باطن و مطلوب بودن نزد عقل و درراه خداوند، همان «حیات طیّبه» است و فقط این زندگی با «ایمان» و «عملِ صالح» محقق می‌شود.
«حیات طیبه» در قرآن کریم		شاخص‌ترین آیه‌ای در قرآن که از حیات طیبه بحث می‌کند آیهٔ ۹۷ سورهٔ نحل است که می‌فرماید: «مَن عَمِلَ صالحا مِن ذَکَرٍ أو أنثَی وَ هُوَ مُؤمِنٌ فَلَنُحیِیَنَّهُ حَیَاةً طَیِّبَةً وَ لَنَجزِیَنَّهُم أجرَهُم بِأحسَنِ مَا کَانُوا یَعمَلُونَ: هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن است، او را به حیاتی پاک، زنده می‌داریم و پاداش آن را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». مرحوم علامه طباطبائی، «حیات طیبه» را با توجه به آثاری که بر آن مترتب است و آن، این‌که خداوند آن را مختص به مردم باایمان و دارای «عملِ صالح» دانسته است، حیاتی حقیقی می‌داند و می‌فرماید: «فَلَنُحیِیَنَّهُ حَیَاةً طَیِّبَةً»، «حیات» به معنای «جان‌انداختن در چیز» و افاضهٔ حیات به آن است. پس، این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر این‌که خدای‌تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند به حیات جدیدی غیرازآن حیاتی که به دیگران داده، زنده می‌کند و مقصودش این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد، مثلاً «حیات خبیث» او را مبدل به «حیات طیبی» می‌کند که اصلِ حیات همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد زیرا اگر مقصود این بود، کافی بود که بفرماید: «ما حیات او را طیب می‌کنیم» ولی این‌طور نفرموده بلکه فرموده است: «ما او را به حیاتی طیب زنده می‌سازیم»؛ پس آیهٔ شریفه نظیر آیه: «أوَمَن کَانَ مَیتًا فَأحیَینَاهُ وَ جَعلنَا لَهُ نُورًا یَمشِی بِهِ فِی النَّاس...(سوره انعام، آیه ۱۲۲)» است که افاده می‌کند خدای‌تعالی حیاتی ابتدائی و جداگانه و جدید به او افاضه می‌فرماید. از باب تسمیه مجازی هم نیست که حیات قبلی او را به خاطر این که صفت طیب به خود گرفته مجازاً حیاتی تازه نامیده باشد، زیرا آیاتی که متعرض این حیات هستند آثاری حقیقی برای آن نشان می‌دهند، مانند آیهٔ«... أُولَئِکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الإیمَانَ وَ أیَّدَهُم بِرُوحٍ مِنهُ...(سوره مجادله، آیه ۲۲)» و همچنین در آیهٔ ۱۲۲ سورهٔ انعام، منظور از نور علمی است که آدمی به‌وسیلهٔ آن به‌سوی حق راه می‌یابد و به اعتقاد حق و عمل صالح نائل می‌شود.
تجزیه «حیات طیبه» به مؤلفه‌های سازنده آن	ایمان	«ایمان» از ماده امن در اصل به معنی «طمأنینه و آرامش نفس» است و در موارد مختلفی به کار می‌رود. ایمان با تحقق سه چیز حاصل می‌شود: «اذعان با قلب و اندیشه، اقرار به زبان و عمل با اعضاء»؛ مثل: «وَالَّذِینَ آمَنُوا بِاللهِ وَ رُسُلِهِ أُوْلَئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ...(سوره حدید، آیه ۱۹)». پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «ایمان»، شناخت با دل است و گفتن با زبان و عمل با ارکان بدن.
	مؤمن	خداوند در سوره انفال می‌فرماید: «مؤمنان، کسانی هستند که چون نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان شود و چون آیات خدا بر آن‌ها خوانده شود، ایمانشان افزون می‌شود و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. همان کسانی که نماز می‌گزارند و ازآنچه روزی‌شان داده‌ایم، انفاق می‌کنند (سوره انفال، آیات ۲– ۳)». پیامبر اکرم (ص) فرمودند: مؤمن حرکات و رفتارش، ملایم و مهربان است و دیدارش، شیرین... از هر چیز عالی‌ترین آن را می‌جوید و از خوی‌ها، پرارج‌ترین را... کم‌خرج است و بسیار کمک و یاری می‌رساند... کارش را به‌خوبی انجام می‌دهد به‌طوری‌که گوئی آن را می‌بیند، چشمانش فروهشته است، دست بخشنده دارد و دست رد به سینه سائل نمی‌زند... سخنش را می‌سنجد و زبان در کام می‌کشد... باطل را حتی از دوستش نیز نمی‌پذیرد و حق را حتی از دشمنش انکار نمی‌کند، دانش نمی‌آموزد مگر برای دانستن و دانائی؛ فرانمی‌گیرد مگر برای عمل کردن... اگر با دنیاخواهان رفتار کند، زیرک‌ترین آن‌ها است و هرگاه با آخرت جویان سلوک کند، پارساترین آن‌ها است.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

عمل صالح	«عمل» که جمع آن «اعمال» است به کاری گفته می‌شود که انسان با قصد و اراده انجام می‌دهد و عمل، اخص از فعل است. «صالح» از ماده «صلح» و صلاح ضد فساد است. صلح و فساد اکثراً در مورد افعال استعمال می‌شود؛ «... وَ العَمَلُ الصَّالِحُ یَرفَعُهُ» (سوره فاطر، آیه ۱۰)» در این آیه، صالح به معنای «شایسته» است. آن چیز یا کسی که شایسته و خوب است و در آن فساد نیست. در کتاب «تفسیر اطیب‌البیان» در معنی «عمل صالح» آمده: «عمل صالح مراتب زیادی دارد؛ درجهٔ اولش این است که صحیح باشد، مستجمع جمیع اجزا و شرایط و فاقد جمیع موانع باشد و هرچه بهتر و بالاتر و مراعات آداب و سنن و اسباب قبول بیشتری باشد، درجاتش بالاتر می‌رود. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «ایمان» و «عمل‌صالح» دو برادر بسته به یک ریسمان هستند، خداوند یکی را بدون دیگری نمی‌پذیرد.

ساخت‌وساز و طراحی معماری استخراج کرد که این الگوها همواره در طول تاریخ اسلام به‌عنوان راهنمای معماران مسلمان به‌کاررفته و به‌عنوان یک شیوه زندگی اسلامی مطرح می‌شود. این اصول، چگونگی زندگی مسلمانان و نحوهٔ ارتباط آن‌ها را با جامعه و محیط اطراف ارائه می‌کند (Zarghami and Sadat 2016).

جدول ۷: استخراج نکات «مسکن مطلوب اسلامی» از آیات قرآن کریم (اقتباس از Pourmand and Tabatabaei 2016; Daeipour, 2014)

Table 7: Extracting the Points of desirable Islamic Housing from the Verses of the Holy Quran(Pourmand and Tabatabaei 2016; Daeipour, 2014)

	مقوله	مفاهیم	مشخصه‌ها	آیات مورد استناد
عوامل علی	**اهمیت مسکن اسلامی**	تأثیرات روانی	آرامش‌بخشی، امنیت بخشی، مایه آسایش، اُنس و الفت	– آیه ۸۰ سوره نحل: «خدا برای سکونت دائم شما، منزل‌هایتان را و برای سکونت موقت سفر، از پوست چهارپایان خیمه‌ها را ...».
		تأثیرات اجتماعی	تربیت و آموزش پاک‌دامنی، محل اجتماع مسلمانان	
	اهمیت مسکن مطلوب	تعابیر مسکن	نعمت الهی، ارزش، شایسته، بیت‌المقدس، نعمت ویژه	– آیه ۱۵ سوره سبا: «...در محل سکونتشان، نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود؛ ... شهری است پاک...».
	اهمیت امنیت	–	نعمت الهی زمینه‌ساز عبادت	– آیه ۸۷ سوره یونس: «به موسی و برادرش وحی کردیم... و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید...».
منفهوم مسکن مطلوب اسلامی	**نوع خانه اسلامی**	فصل خانه اسلامی	مایه آرامش، روبه‌قبله، توجه به نیاز انسان، پاک (طهارت)	– آیه ۹۳ سوره یونس: «بنی‌اسرائیل را در جایگاه خوبی منزل دادیم؛ و از روزی‌های پاکیزه به آن‌ها عطا کردیم...».
	–	جنس مسکن اسلامی	سرپناه، مستحکم بودن، استراحت در شب	– آیه ۱۷ سوره کهف: «... خورشید را می‌دیدی که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می‌گردد و به هنگام غروب، به سمت چپ...».
	مفهوم عرضی خاص	–	ثابت، سیار، قصر، تراشیده در کوه، غار، مرفه یا محقر	– آیه ٦ سوره طلاق: «آن‌ها را در جا که... و در توانایی شماست، سکونت دهید...».
ویژگی نظام استقرار فضایی مطلوب و راهکارها	**توجه به اقلیم (آسایش و امنیت زیست‌اقلیمی)**	جهت مناسب ساختمان	جهت‌گیری با توجه به اقلیم و قبله	– آیه ٧٤ سوره اعراف: «...در دشت‌هایش، قصرها برای خود بنا کنید و در کوه‌ها، برای خود، خانه‌ها می‌تراشید...به فساد نکوشید».
		استقرار مناسب ساختمان	حداکثر استفاده از شرایط طبیعی (تابش، نسیم)، منع مصرف	– آیه ۱۲۸– ۱۲۹ سوره شعرا: «شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هواوهوس می‌سازید؟! و قصرهای محکم (و قلعه‌های زیبا) بنا می‌کنید».
	قلمرو گرایی و تفکیک عرصه‌ها (امنیت فردی- اجتماعی)	سلسله‌مراتب فضایی	ضرورت امنیت از سرقت، یادآوری نظارت خدا، استیناس	– آیه ۲۷– ۲۸ سوره نور: «در خانه‌هایی غیر از خانه‌ی خود وارد نشوید...وارد آن نشوید تا به شما اجازه داده شود...خداوند به آنچه انجام می‌دهید، دانا است».
		ارتباط بصری فضاها	نایستادن مقابل در منزل دیگری، جلوگیری از فاش سرّ، استیناس، ارتباط مرد و زن با رعایت تقوا، استیذان	– آیه ۵۸ سوره نور: «...کسانی از شما که به حدّ بلوغ نرسیده‌اند؛ در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند».
	نظارت و کنترل (امنیت فردی- اجتماعی)	کنترل‌پذیری فضاها	خانه‌ها مقابل هم برای نظارت، یادآوری نظارت خدا	– آیه ۵۳ سوره احزاب: «...در خانهٔ پیامبر داخل نشوید مگر... اجازه داده... هنگامی‌که چیزی از وسایل را می‌خواهید از پشت پرده بخواهید».
		کنترل نفوذ به فضاها	استقرار فضاها مقابل هم برای امنیت، یادآوری نظارت خدا	
عوامل زمینه‌ای	**هدف مسکن اسلامی (مفهوم عرضی عام)**	امنیت فردی و خانوادگی	احترام به حریم اعضای خانواده، امنیت ساکنان	
		امنیت زیست‌محیطی	مطلوبیت زیست‌محیطی، جهت‌گیری مناسب بنا، جابه‌جایی فصلی	
		امنیت روانی	انس و امنیت روانی	
		امنیت از سرقت	تمرکز، امنیت و نظارت، امنیت از غارت و دزدی	
		پیشگیری از گناه	جلوگیری از ایجاد مفسده	
	هدف غایی مسکن اسلامی		زمینه‌سازی عبادت و تعالی انسان	
عوامل بازدارنده	**مسکن مذموم در اسلام**	ویژگی سلبی خانه اسلامی	خروج از حد اعتدال، ساختن ساختمان از روی هواوهوس، اسراف، سبک‌شمردن آسایش مسکن	
		هدف ساخت	بدون هدف خاص، فخرفروشی	

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

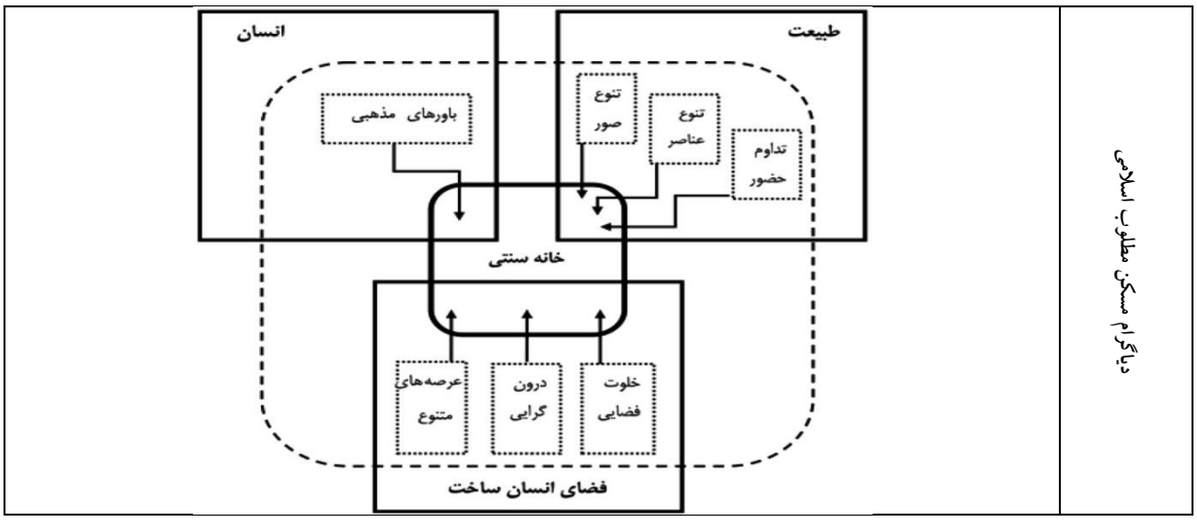

۳. تبیین اصول و معیارهای بنیادین مسکن ایرانی اسلامی

«مفهوم خانه» به‌عنوان یک‌شکل کالبدی، بر اساس سازمان فضاهای داخلی قرار نمی‌گیرد بلکه «معنی» در طراحی آن اهمیت پیدا می‌کند. در زندگی روزمره، «معنی» در استفاده از فضاها نهفته است. مکان‌ها معنی دارند و خانه مکان اصلی فعالیت‌های روزانهٔ انسان است (Zukin 1995 Quoted by Pourdeihimi 2011). خانه، حرم (Sacratum) خانواده است و قلمرو حکمروایی زن که مرد در آن قلمرو، میهمانی بیش نیست. وانگهی شکل مربع‌اش با قانون نکاح در اسلام که به مرد اجازه می‌دهد تا چهار زن به عقد ازدواج خود درآورد، به‌شرط رعایت عدل و انصاف در میان آنان، مطابقت دارد. «خانهٔ اسلامی»، به روی دنیای خارج، کاملاً بسته است– و بدین گونه زندگانی خانوادگی از حیات مشترک اجتماعی، جدا و سوا شده است– و تنها بالای آن به‌سوی آسمان باز است که آسمان از آن طریق، در پایین، در چشمهٔ آب حیاط، انعکاس می‌یابد. حیاط با چشمهٔ آب در میانش به‌مانند باغ محصوری که چهار جوی از مرکزش جاری است، تمثیل بهشت است زیرا قرآن از باغ‌های نعیم ابدی و سعادت سرمدی (جنات نعیم) که در آن چشمه‌ها می‌جوشند، یک یا دو چشمه در هر باغی که اقامتگاه حوریان بهشتی (ازواج مطهره، حور عین) است، سخن می‌گوید. اقتضای طبیعت جنّت، این است که مستور و سرّی باشد، چون با دنیای باطنی و قعر روان مطابقت دارد. خانهٔ مسلمانان با حیاط داخلی محصورش از چهار جانب و یا باغ محصورش که در آن چاهی یا چشمه‌ای هست، باید مشابه این جهان باشد (Burckhardt 2013). جدّیت موضوع «تفکر اسلامی» در ایران، به جهت اتصافش به صفت «اسلامی» است که این صفت بیانگر بار فرهنگی غنی و سنگین و شناخته‌شدهٔ اسلام در جهان است؛ جهانیان انتظار دارند که تجلّی فرهنگ و عقاید اسلامی را در فراورده‌های فکری و کالبدی این مرزوبوم، مشاهده کنند. طبیعی است که یکی از مهم‌ترین این تولیدات و دستاوردها، معماری و شهر (محیط زندگی انسان) و ازجمله مهم‌ترین جزء آن یعنی «مسکن» است (Naghizadeh 2012). در جدول شمارهٔ ۸، به تبیین اصول و ویژگی‌های بنیادین مسکن مطلوب اسلامی پرداخته می‌شود.

آبادی خانهٔ ایرانی نه به ساختمان آن‌ها که به معنویتِ درونی آن‌ها بسته است. خانه‌های ایرانی که بهترین نمونه‌های آن‌ها هنوز در گوشه و کنار بسیاری از شهرها یافت می‌شوند، آباد هستند زیرا رو به‌سوی عالمی دیگر دارند (Farzanyar 1992). مسکن ایرانی نه به معنای جایی برای بودن و ماندن، بلکه جایی برای شدن، است. انسان سنتی ازنظر اسلام دوسویه است، یک‌سوی او به سمت خدا و روح الهی و سوی دیگر او به سمت زمین و نیازهای نفسانی حرکت می‌کند. مسکن هم وقتی پاسخگوی این دو زمینهٔ انسانی باشد، به آن، «مسکن سُنتی» اطلاق می‌شود. به تعبیر دیگر، مسکن سُنتی همانند انسان سُنتی یک صورت ظاهر و یک سیرت باطنی دارد که به‌صورت رمز و تمثیل بیان می‌شود.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

جدول ۸: اُصول و معیارهای بنیادین مسکن ایرانی اسلامی (اقتباس از Naghizadeh, 2012)

Table 8: Basic Principles and Criteria of Iranian-Islamic Housing(Naghizadeh 2012; Keramati 2011; Zarghami and Sadat 2016)

ویژگی	اصول و معیارها	تعریف
ویژگی اساسی	**توجه به فرهنگ جامعه**	باید توجه داشت که هر یک از مکاتب معماری و شهرسازی بر پایه‌های اعتقادی و فکری (مبانی نظری) خاص خود استوار هستند اما چون بسیاری افراد یا به این مبانی توجه ندارند یا این که خود می‌خواهند مروّج اصول و ارزش‌های خاصی باشند، دست به تقلید یا ترویج الگوهای بیگانه می‌زنند. تقلید و ترویجی که خود، شکلی از تکرار و در نتیجه، بی‌هویتی و ازخودبیگانگی است. این تکرار و تقلید، به‌مرور هویت جامعه را دگرگون می‌کند، ازخودبیگانگی و احساس حقارت در مقابل صاحبان اصلی، الگوها را رشد می‌دهد، به ارزش‌ها و اصول فرهنگی جامعه لطمه وارد می‌کند و درنهایت، منجر به استحاله و اضمحلال تمدن و فرهنگی که دست به تقلید زده است، می‌شود.
	فراهم آوردن امکان «زندگی اسلامی‌ایرانی»	هر جامعه‌ای به‌تناسب فرهنگ خویش تمایل دارد تا در فضاهای مختلف زیست و فعالیت خویش، آداب‌ورسوم و فعالیت‌های خاصی را برپا دارد (آداب‌ورسومی مانند صله‌رحم، عمل به توصیه معاشرت با همسایگان، توجه به طهارت و پاکی فضاهای زیست (نفی اختلاط و هم‌جواری فضاهای بهداشتی با فضای زندگی)، شیوه‌های پذیرایی خاص ایرانی، حمایت از سالمندان، رعایت حریم بزرگ‌سالان، رازداری خانوادگی و ...).
	جامع‌نگری و وحدت‌گرایی	«فرد» و «جامعه» به‌عنوان دو عنصر اساسی مطرح در زمینه‌ها و دانش‌های مختلف بشری، هرکدام در هر مکتبی، تعاریف و اهمیت خاصی دارند؛ در مقولهٔ «مسکن مطلوب»، توجه به این نکته ضروری است که «مسکن» و به ویژه ظاهر (سیما و کالبد) آن به عاملی در جهت خدشه به وحدت جامعه نیانجامد. در این راستا، توجه به مفاهیم و ارزش‌هایی همچون: زیبایی، سادگی، تأکید بر هویت ملی و وحدت اجتماعی، احتراز از تفاخر فردی، اجتناب از خودنمایی، اجتناب از هم‌شکلی با بیگانه، احتراز از عریانی و احتراز از اموری که سبب ترویج فردگرایی و خدشه به وحدت جامعه می‌شوند، ضرورت دارد. توجه به این عوامل، خواهد توانست تقویت‌کنندهٔ وحدت و همبستگی جامعه باشد.
	حفظ و تقویت روابط همسایگی	یکی از راه‌های ایجاد، حفظ و تقویت روابط همسایگی، «پایداری اسکان» است؛ توجه به جامعه، درواقع، توعی تقویت وحدت جامعه است. معیارهایی مانند «توجه به ارتباطات رودررو» و «ارتباط همسایگان» به‌عنوان معیارهای مناسب، می‌توانند موجب تقویت وحدت جامعه شوند.
	حفظ و ارتقاء توجه به «خانواده» و «روابط خانوادگی»	آرامش اعضاء خانواده، کیفیت مهمی است که توجه به آن ضرورت بنیادین مسکن مطلوب است. ایجاد محیط آرام در مسکن به عواملی همچون: مکان‌یابی مسکن نسبت به سایر عملکردها، مصالح مصرفی، سلسله‌مراتب بین درون و برون و وُسعت آن وابسته است. برخی موضوعاتی که به ویژه در بُعد معنوی مُخلّ آرامش انسان هستند عبارت‌اند از: برخی فعالیت‌های همسایگان که مولد انواع آلودگی‌ها محسوب می‌شوند، احتمال در دید بیگانگان بودن، فقدان مراتب مختلف امنیت فیزیولوژیکی، روانی و فرهنگی، در اختیار نبودن فضای کافی برای افراد خانواده و اختلاط قلمروها که فراهم بودن امکان پذیرایی از مهمانان را ناممکن می‌کند.
	امنیت	ویژگی‌های معماری مسکن مطلوب باید به‌گونه‌ای باشد که درجات مختلف امنیت را برای ساکنان خویش فراهم آورد. بارزترین مصادیق امنیت عبارت هستند از: امنیت در مقابل بلایا و سوانح طبیعی و غیرطبیعی، امنیت فرهنگی، امنیت روانی، امنیت اخلاقی، امنیت در برابر گناه، امنیت فکری و سایر وجوه و مراتب معنوی و روانی امنیت.
	هویت	«هویت»، اصلی است که جهان‌بینی اسلامی به جدّ، آن را مورد تأکید قرار داده است. هویت باید نشان از استقلال و خودباوری و عزت جامعه باشد. در غیر این صورت و در صورت تقلید از هویت بیگانه، هویت دیگران ترویج و تبلیغ می‌شود و نوعی از احساس حقارت و ازخودبیگانگی را در جامعه به وجود می‌آورد. در مقولهٔ هویت، معیارهایی همچون: هویت معنوی و جمعی، استقلال، احتراز از خودنمایی، فرم و شکل و کاربری مناسب، بوم آوری و هویت ملی را می‌توان معرفی کرد.
	ارتباط با طبیعت و همزیستی با آن (مأخذ تصویر: Keramati 2011)	توجه به طبیعت و عناصر طبیعی و ایجاد ارتباط مناسب انسان با آن‌ها، یکی از اصلی‌ترین شرایط و ویژگی‌های مسکن مطلوب است. در این مقوله، توجه به چند نکته اهمیت دارد: ۱(این که این تماس، باید در یک سلسله‌مراتب منطقی از واحد مسکونی تا کوچه و خیابان و محله و شهر و حتی خارج شهر (طبیعت بکر) برقرار باشد. ۲) عناصر طبیعی بسته به ارزشی که در برآورده کردن نیازهای معنوی و روانی انسان، با توجه به معانی نمادینشان دارند، شناسایی و دسته‌بندی و به مردم یادآوری شوند و امکان تماس با آن‌ها برقرار شود. ۳) به نقش عناصر طبیعی در جهت پاسخگویی به نیازهای معنوی انسان نیز توجه شده و با این نقش مهم به مردم معرفی شود. علاوه بر آن، ملحوظ داشتن شرایط اقلیمی و محیطی در طراحی مسکن، نقش مهمی ایفا می‌کنند. ابنیه باید به‌گونه‌ای طراحی شوند تا نیاز به تنظیم‌کننده‌های مصنوعی برای تنظیم شرایط محیطی به حداقل ممکن کاهش یابد.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

	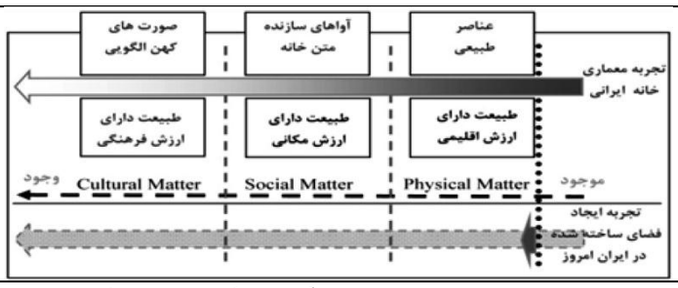	
	رعایت عدل و توجه به عدالت اجتماعی	متون اسلامی مشحون از تذکراتی در مورد اهمیت عدل و لزوم رعایت آن در جملگی زمینه‌های زندگی است. می‌توان به جمیع اموری که به عدل مربوط یا از آن مشتق شده باشند، به‌عنوان معائیری برای ارزیابی فعالیت‌های انسان توجه کرد، عبارت‌اند از: تعادل بین جنبه های معنوی و مادی حیات، تعادل در انتخاب کاربری، انتخاب محل استقرار مناسب، تعادل در فضای باز و ساختمان، تأمین خدمات شهری مناسب، تعادل بین محیط مصنوع و طبیعت و سایر مصادیق تعادل و میانه‌روی.
	زیبایی	«زیبایی» نتیجهِ تناسبات و تعادل‌هایی است که طرح‌ها و برنامه‌های از پیش اندیشیده شده، امکان فراهم آوردن آن را دارند. نیازمند ملحوظ داشتن تناسبات و هماهنگی‌هایی در مختصات ابنیه و فضاهای باز شهری است.
	ارجحیت معنویت بر مادّیت	کیفیت و جلوه‌ای است که در ظاهر و کالبد شهرها، اجزا و عناصر شهر مسلمانان و به ویژه، در مسکن آن‌ها به‌وضوح و روشنی قابل‌درک است؛ این ظهور چیزی جز جلوه باورهای مردم نیست که به معنویت عنایت ویژه دارند و دنیا را در پناه آخرت جستجو می‌کردند و درواقع، دنیا را وسیله‌ای برای وصول آخرت یا ساختن آن می‌دانستند.
	سلسله‌مراتب (Zarghami et al. 2016)	اصل «سلسله‌مراتب» که ارتباط قلمروهای مختلف محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی تبیین می‌کند؛ به دلیل ویژگی‌های مسکن که آن را «حرم» نامیده‌اند، از اهمیت خاصی برخوردار است. در رابطه با مسکن، «سلسله‌مراتب» را می‌توان در دو درجهٔ بیرونی و درونی مورد مداقه قرارداد. «سلسله‌مراتب بیرونی» به ارتباط داخل مسکن با سیار فضاها و عملکردهای پیرامون آن می‌پردازد، درحالی‌که «سلسله‌مراتب» بر تبیین ارتباط عناصر داخل مسکن با یکدیگر متمرکز است. تأثیر اصل سلسله‌مراتب بر معماری مسکن، به تبیین مراتب و نحوه ارتباط قلمروهای مختلف (عمومی، نیمه عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی) می‌پردازد. 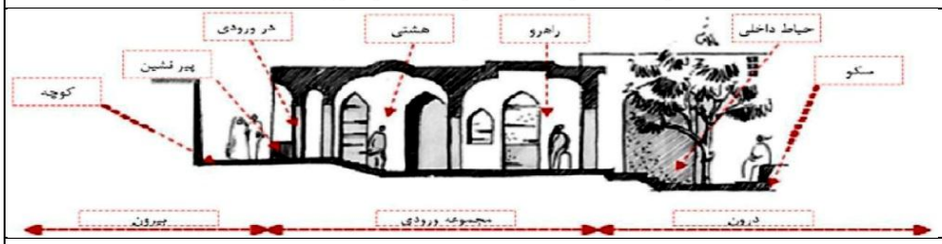
	اصلاح	این اصل به‌عنوان اصلی اثباتی مطرح است؛ در حقیقت متضاد فساد و اسراف در زمین است. تعالیم اسلامی، وظیفهٔ انسان را اصلاح و عمران زمین می‌شمارد (سوره هود، آیه ٦١).
	کمال‌گرایی	ویژگی‌های اصل «کمال‌گرایی»: حداکثر همراهی و همزیستی با طبیعت؛ عدم انقطاع رابطه انسان با طبیعت؛ حداقل یا فقدان تخلیه آلاینده‌ها در طبیعت (به ویژه آلاینده‌های کشنده و خطرناک)؛ استفاده از مصالح بومی؛ تنظیم شرایط محیطی با استفاده از امکانات و شرایط اقلیمی؛ احتراز از اسراف، فساد، تباهی، بیهودگی و بطالت؛ نگرش به طبیعت به‌عنوان «منبعِ شناخت و آیات الهی»؛ استفاده مناسب و بهینه از نیروی کار انسان؛ مصرف مواد و مصالح در جهت کمال بخشی و شرافت بخشیدن به ماده به‌منظور ارتقاء کیفیت حیات؛ احتراز از مصرف مواد و مصالح در جهت ارضاء مشتهیات مادی.
	عزّت	یکی از ابزارهای مهم احرازِ «عزّت جامعه»، احساس روانی جامعه در استقلال و عدم وابستگی در مقابل بیگانه است. این‌گونه از استقلال، فراتر از تکنیک و فنّاوری بوده و به «قالب، شکل و محتوای موضوعات» مرتبط بوده است و تبعات استفاده از هرگونه الگوی بیگانه را نیز مدنظر قرار می‌دهد. معیارهای منبعث از این اصل عبارت هستند از: «استقلال، بوم آوری و هویت».
	تذکر دهی	«متذکر بودن شهر» تحت عناوین «هدایت‌گری، معنویت‌گرایی و آموزش» قابل‌طرح و بررسی هستند اما با عنایت به معنای واقعی «ذکر» که به معنای «یادآوری چیزهایی است که انسان قبلاً به آن‌ها آگاه بوده یا به آن‌ها آگاهی داده‌شده است»، تنها وجه معنوی آن مدّ نظر است. شهر تاریخی، به دلیل مخفی داشتن یا عدم تحریک و تهییج نیازها و مشتهیات مادی انسان (از قبیل مصرف، غذا، جنس مخالف، تفریح و ...) و از طریق متذکّر شدن انسان به ارزش‌های معنوی، نقش تذکّر دهی خویش را به انجام می‌رساندند (شهر و شهروندان آن، نسبت به رعایت این موضوع یعنی متذکر نگه‌داشتن انسان کاملاً جدی بودند).
	تواضع	به تبعیت از تعالیم اسلامی که مشی در زمین به تفاخر و غرور را نفی و نهی کرده و برعکس، تواضع و عدم خودستایی و تفاخر را توصیه می‌کند، آثار انسانی ازجمله شهرها و عمارات‌شان نیز باید القاکنندهٔ این ارزش و اصل بنیادین باشد.
	حیا	سیمای مسکن اسلامی، نه‌تنها از برهنگی و عریانی و نمایش خویش برای بیگانه، بری بود بلکه حتی زمینهٔ تحریکات مادی یا خودنمایی و خودستایی و تحقیر انسان (دیگران) را نیز به حداقل رسانده‌بود. حیای شهر و مسکن اسلامی در طول تاریخ، اجازهٔ ریا و فریب

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

		نمی‌داد و حتی کسانی که مقیّد به آدابی نبودند، حرمت جمع و جامعه را به سهولت نمی‌شکستند.
	پاکی و طهارت	«پاکی» را به شقوق مختلفی ازجمله: پاکی هوا، پاکی محیط، پاکی نمای عمارات و پاکی فضاهای داخلی ساختمان‌ها می‌توان تقسیم کرد که هرکدام نیز به «پاکی مرئی (به تمیزی ظاهری و محسوس توسط حواس اطلاق می‌شود)» و «پاکی نامرئی (شامل تمیزی و سلامت محیط و بری بودن آن‌ها از موجودات ریز یا گازها و مواد غیرقابل رؤیت و فراتر از آن، پاکی و طهارت معنوی است)» قابل‌طبقه‌بندی هستند.
	تقوی	رعایت «تقوی» در سه مرتبه: الف) ساخت‌وساز و سیمای عمومی؛ ب) ایجاد شرایط و فضاهایی که امکان متقی نگه‌داشتن اهل شهر را فراهم کند (آن‌ها را از ارتکاب به گناه، بازدارد)؛ پ) ادارهٔ شهر و تنظیم روابط اجتماعی.
ویژگی سلبی	**احتراز از کِبر**	جلوه‌های چنین اصلی را می‌توان در «سادگی فرم‌ها و اشکال»، «مصالح بومی و محدود»، «درون‌گرایی» و «حداقلِ استفاده از تزئینات در سطوح بیرونی»، «ارتفاع مناسب و هماهنگ ساختمان‌ها»، «تجانس غیرمادی محلات»، «هم‌جواری متناسب عملکردهای مختلف» و «وحدت کالبدی شهر و عمارات» مشاهده کرد. این موضوع به همراه احتراز از خودستایی و تحقیر دیگران، یکی از موضوعاتی است که باید بر شکل‌گیری شهرها و مساکن مسلمانان، اعم از سیما و شکل، سازمان فضایی، رابطهٔ اجزا آن‌ها با یکدیگر و با مردم تأثیر داشته باشد.
	اجتناب از فساد و اسراف	جهان‌بینی توحیدی با تکیه‌بر اصل عدل، به‌عنوان عامل بقای عالم وجود و بالطبع، عامل ایجاد محیط مناسبی برای حیات انسان، غالب موضوعاتی را که در تقابل با «اصلِ عدل» هستند (مانند فساد و اسراف)، به‌عنوان ظلم معرفی و انسان را از ارتکاب به آن‌ها، نهی می‌کند.

صورت مسکن سنتی در فضاهای عملکردی و هندسهٔ آشکار خلاصه‌شده است لیکن سیرت باطنی آن نیز ناشی از یک حقیقت برتر است که در فطرت انسانی وجود دارد. فطریاتی درزمینهٔ خواست‌های انسانی که در مسکن سنتی پنهان شده و به وجود درونی انسان نزدیک شده است. این خانه، با فطرت وجودی انسان ازجمله عوامل اساسی تکوین سیرت مسکن سنتی و شکل‌گیری اصول و مبانی ساختاری و نهانی آن است (Afhami and Soltani 2012).

٤. تحلیل و بحث

تجلی «حیات طیبه» در «حیاط مسکن ایرانی اسلامی»: خانه به‌عنوان نمادی از آمال و آروزی انسان و جلوه‌گر سنن اعتقادی و فرهنگی یک جامعه به‌حساب می‌آید. اگر انسان، تصور یک نظم متعالی مبتنی بر آرامش را از جهان در نظر داشته باشد، محل زندگی او، بازتابی از این اندیشه خواهد بود. روح اسلامی جاری در فضای سکونت ایرانی مسلمان، در اتمسفر حیاط خانهٔ او متجلی می‌شود؛ درواقع، تجلی حقیقت «حیات طیبه» به‌عنوان عالی‌ترین درجهٔ سبک زندگی اسلامی در حیاط خانه ایرانی به‌عنوان قلب تپنده آن معنی می‌شود. بهترین تعبیر از این تجلی را، جناب بورکهارت بیان می‌دارند: «حیاط با چشمهٔ آب در میانش به‌مانند باغ محصوری که چهار جوی از مرکزش جاری است، تمثیل بهشت هستند، زیرا قرآن از باغ‌های نعیم ابدی و سعادت سرمدی (جنات نعیم) که در آن چشمه‌ها می‌جوشند، یک یا دو چشمه در هر باغی که اقامتگاه حوریان بهشتی (ازواج مطهره، حور عین) است، سخن می‌گوید. اقتضای طبیعت جنّت، این است که مستور و سرّی باشد، چون با دنیای باطنی و قعر روان مطابقت دارد. خانهٔ مسلمانان با حیاط داخلی محصورش از چهار جانب و یا باغ محصورش که در آن چاهی یا چشمه‌ای هست، باید مشابه این جهان باشد».

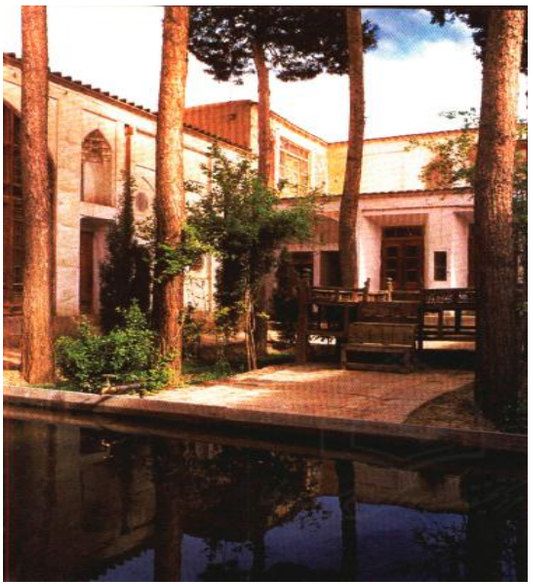

تصویر ۲ :تجلی حقیقت «حیات طیبه» در «حیاط مسکن ایرانی اسلامی»(Pourmand and Rikhtehgaran 2012)

Fig. 2: Analysis of Lifestyle and its Impact on the Nature of Hardened Environments(Pourmand and Rikhtehgaran 2012)

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

نتیجه‌گیری

«فرهنگ اسلامی، روح زیبا را زایندهٔ زیبایی و روح زشت را زایندهٔ زشتی می‌داند؛ هر آنچه از سرانگشتان انسان به منصه ظهور می‌رسد، تجسمی از شخصیت پنهانی و تبلوری از وجود روحانی وی است. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت که زیبایی و شکوه هنر گذشتگان، نتیجهٔ حلول معنویت و باورهای دینی و اتصال با حقیقت است و ایشان، بر این «اتصال» مواظبتی درخور داشتند: چرخ با این اختران، نغز و خوش و زیباستی/ صورتی در زیر دارد، آنچه در بالاستی». در سرتاسر قرآن کریم، اشارات زیادی هست که از انسان می‌خواهد پرده‌های ظاهری را کنار زند و حقیقت باطن امر واقع را کشف کند: «اولم ینظروا فی ملکوت السموات و الأرض...(سوره اعراف، آیه ۱۸۵)»؛ حقیقت‌یابی یعنی درک واقعیت آن‌گونه که هست و باید باشد. ایرانی مسلمان به‌خوبی می‌داند که اول و آخر و ظاهر و باطن عالم، خداوند است اما برای جامعهٔ معاصر، درک چگونگی تجلی این مفهوم در فرهنگ، سبک زندگی و معماری، کمی ناآشنا است و لازم است تا در این حوزه کندوکاو لازم انجام شود. سعی ما در این پژوهش، نزدیک شدن به شناخت در این حوزه بود. نتایج پژوهش به‌خوبی نشان داد که تجلی «حیات طیبه» در حیاط مسکن سنتی ایران در دورهٔ اسلامی به چه شکل محقق شده است.

فهرست منابع

ابراهیم پور، جمشید و رحیمی، سید داریوش. ۱۳۹٦. مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی. فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۱۹: ۱۱۷– ۱٤۸.

افشاری، محسن و پوردیهیمی، شهرام و صالح صدق پور، بهرام. ۱۳۹٤. سازگاری محیط با روش زندگی (یک چارچوب نظری، یک مطالعه موردی). فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا، ۱۵۲: ۳– ۱٦.

افهمی، رضا و سلطانی، سحرزمان. ۱۳۹۱. نگرشی به باورهای دینی در مسکن. نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۷٤: ۱۸– ۲۳.

التیامی‌نیا، رضا و حسینی، علی. ۱۳۹۳. هویت، فرهنگ و سبک زندگی اسلامی در عصر جهانی‌شدن. دو فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی‌ایرانی، ۳(۵): ۱۰۹– ۱٤۲.

الهی زاده، محمدحسین و سیروسی، راضیه. ۱۳۹۳. الگوسازی مسکن بر پایهٔ سبک زندگی اسلامی. فصلنامه سبک زندگی دینی، ۱ (۱): ۳۵– ۵۲.

بورکهارت، تیتوس. ۱۳۹۲. هنر مقدس (اصول و روش‌ها). ترجمه جلال ستاری. تهران: انتشارات صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش).

بیستونی، محمد. ۱۳۹۱. لغت‌شناسی و مفاهیم قرآن کریم. قم: نشر بیان جوان.

پورحسن‌درزی، قاسم. ۱۳۸۸. خاص‌گرایی‌های فرهنگی و فرهنگ جهانی. فصلنامه علمی خط اول– رهیافت انقلاب اسلامی، ۳(۹): ٤۵– ٦۰.

پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۰. فرهنگ و مسکن. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا، ۳۰(۱۳٤): ۳– ۱۸.

پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۱. شهر، مسکن و مجموعه‌ها. تهران: انتشارات آرمانشهر.

پورمند، حسنعلی و ریخته‌گران، محمدرضا. ۱۳۸۵. حقیقت مکان و فضای معماری. دو فصلنامه علمی مطالعات هنر اسلامی، ٤: ٤۳– ٦۰.

پورمند، حسنعلی و طباطبایی، فاطمه. ۱۳۹٤. الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی– اسلامی (بررسی موردی: خانه رسولیان یزد). فصلنامه علمی پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳ (۹): ۱– ۱۷.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

حقیقی کفاش، مهدی و محمودیان، محمود و تقوا، محمدرضا و اسماعیلی، محمدرضا. ۱۳۹٦. تعیین شاخص‌های معرّف محصول فرهنگی هنری ایرانی- اسلامی در نظام جمهوری اسلامی. دو فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال ۷. شماره ۱٦: ۱۳۲- ۱۵۰.

رجایی، فرهنگ. ۱۳۸۰. پدیده جهانی‌شدن و وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: نشر آگاه.

حیدر پور، حسن و صادق زاده قمصری، علیرضا و سجادی، سید مهدی. ۱۳۹۷. تحلیل تطبیقی راهنمای برنامه درسی دین وزندگی دورهٔ متوسطه دوم با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی- ایرانی. فصلنامه علمی مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(٤): ۳۵- ٦٦.

خامنه‌ای، سید علی. ۱۳٦۸. امام خامنه‌ای. روزنامه رسالت، ۱٦ آذرماه: ۱- ۲.

خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، <http://farsi.khamenei.ir>.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۸۵. مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمیان. تهران: نشر سبحان.

رحیم‌پور ازغدی، حسن. ۱۳۸۷. جهانی‌سازی غربی، جهانی‌سازی اسلامی. تهران: مؤسسه هنری ادبی طرحی برای فردا.

رستگار، علی و رضایی، صادق. ۱۳۹۲. آینده‌پژوهی چالش‌های سازمانی فراروی پلیس متأثر از جهانی‌شدن. فصلنامه علمی دانش انتظامی، سال ۱۵. شماره ٤: ۷۹- ۱۰٦.

رضوی زاده، سید نورالدین. ۱۳۸٦. بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

داعی پور، زینب. ۱۳۹۳. رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه‌های سنتی ایران. ماهنامه علمی باغ نظر، ۱۱ (۳۰): ٤۹- ۵۸.

کافی، مجید. ۱۳۹٤. مدل روش‌شناختی مطالعهٔ سبک زندگی اسلامی. دو فصلنامه علمی پژوهش‌نامه سبک زندگی، ۱(۱): ۱۲۱- ۱۳۸.

کاوسی، اسماعیل و حسین‌زادگان، زهره. ۱۳۹۰. حفظ هویت ایرانی- اسلامی در فرایند جهانی‌شدن. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۲(۳): ۳۷- ٦۲.

کاویانی، محمد. ۱۳۹۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کرامتی، غزال. ۱۳۹۰. خانه ایرانی، مکان گفتگوی انسان و طبیعت ... . همایش ملی مسکن ایرانی، مهرماه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز.

کوثری نیا، نفیسه. ۱۳۹۲. ارتباط سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه در قرآن کریم. فصلنامه قرآنی کوثر، ٤۸: ۵- ۱۸.

گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۱. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر ری.

شهیدی، نیما. ۱۳۸۵. جهانی‌شدن آموزش عالی. فصلنامه فرهنگ آموزش، ۲ (۳): ۲۱- ۲۹.

شهیدی، نیما. ۱۳۸٦. آموزش عالی در عصر جهانی‌شدن. تهران: نشر نوید.

ضرغامی، اسماعیل و سادات، سیده‌اشرف. ۱۳۹۵. بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی- اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز. فصلنامه علمی نقش‌جهان، ٦.(۲): ٦۰- ۷۲.

طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۳۷٤. تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی. قم: نشر حوزه علمیه قم.

طیب، سید محمدحسین. ۱۳۷۸. تفسیر اطیب‌البیان. تهران: انتشارات اسلام.

عالم زاده نوری، محمد. ۱۳۹۵. عالم‌زاده نوری: باید به روح سبک زندگی اهل‌بیت (ع) دست‌یافت. خبرگزاری ابنا، کد خبر: ۷۰۵۷۹٤، ۱۷ تیرماه ساعت ۱۷:۵۰، <https://fa.abna24.com/cultural/archive/2016/07/07/705794/story.html>.

علینی، محمد. ۱۳۹۳. بررسی کارکردهای خانواده در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی. فصلنامه علمی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱(٤): ۷۷- ۱۰۷.

فرزانیار، حمیدرضا. ۱۳۷۱. بر آستانه خانه. فصلنامه علمی صفه، ۲(۱): ۹- ۱۸.

قاسمی، حاکم. ۱۳۹٦. آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی. دو فصلنامه علمی آینده‌پژوهی ایران، ۲(۲): ۱- ۲.

مکارم‌شیرازی، ناصر. ۱۳۷٤. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

محمدی‌ری‌شهری، محمد. ۱۳۸٤. منتخب میزان‌الحکمه، تلخیص حسینی. قم: نشر دارالحدیث.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

نادری، مهدی و پیرانی، شهره. ۱۳۹۹. راهبردهای پیشرو در پسا چهل‌سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، ۱۶(۱): ۳۰۵– ۳۲۸.

نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۱. تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی‌ایرانی. نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۰: ۳۸– ۵۵.

نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۲. مسکن: مبانی نظری تا جلوه‌های عینی. نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۸۵: ۷۴– ۸۵.

منابع انگلیسی

The Holy Quran. 2010. Translated by Mahdi Elahi Ghmshei. Tehran: Printing and Publishing Organization.

Afhami, R. & Soltani, S. 2012. An Attitude Towards Religious Beliefs in Housing. Book of the Month of Art (174): 18-23 [In Persian].

Afshari, M. and Pourdeyhimi, S. & Saleh Sedgh poor, B. 2016. The Environmental Adaptation of Human Lifestyle. Journal of Housing and Rural Environment (JHRE) 34(152): 3-16 [In Persian].

Alemzadeh Nouri, M. 2016. Alemzadeh Nouri: The spirit of the lifestyle of the Ahl al-Bayt (AS) must be achieved. Ibna News Agency, news code: 705794, 17 July at 17:50, <https://fa.abna24.com/cultural/archive/2016/07/07/705794/story.html> [In Persian].

Bistuni, M. 2012. Vocabulary and Concepts of the Holy Quran. Qom: Young Expression Publishing [In Persian].

Burckhardt, T. 2013. Principios y Metodos del Arte Sagrado (Principes et méthodes de l'art sacré). Translated By Jalal Sattari. Tehran: Surosh [In Persian].

Daeipour, Z. 2014. The Relationship Between the Presence of Nature and the Increase in the Sense of Belonging in the Iranian Traditional Houses. The Science Journal of NAZAR Research Center 11(30): 33- 42 [In Persian].

Ebrahimipour, J. & Rahimi, S. D. 2017. Components and Indicators of Islamic Lifestyle. Quarterly Journal of New Research in the Humanities (19): 117-148 [In Persian].

Elahizadeh, M. H. and Sirusi, R. 2014. Housing modeling based on Islamic lifestyle. Journal of Religious Lifestyle 1(1): 35- 52 [In Persian].

Ellini, M. 2014. The Function of Family in the Formation of the Islamic Lifestyle. Journal of Islam and Social Studies 1(4): 77-107 [In Persian].

Eltiaminia, R. and Hosseini, A. 2014. Identity, Culture and Islamic Lifestyle in the Age of Globalization. Bi-Quarterly Journal of Iranian Islamic Progress Pattern Studies 3(5): 109- 142 [In Persian].

Farzanyar, H. R. 1992. On the Threshold of The House. Journal of Sofeh 2(1): 9-18 [In Persian].

Ghasemi, Hakem. 2018. Islamic Civilization in Transition; the Necessity of Foresight and Strategic Planning in Creating the New Islamic Civilization. Journal of Iran Futures Studies 2(2): 3- 21 [In Persian].

Giddens, A. 2002. Sociology. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Rey Publishing [In Persian].

Harvy, D. 1989. The Condition of Postmodernity. Oxford: Basil Blackwell.

Haghighi, M. and Mohamadian, M. & Taghva, M. R. & Esmaili, M. R. 2017. Defining the indicators representing cultural, artistic and Islamic-Iranian product in the Islamic republic of Iran. Journal of Soft Power 7(16): 132- 150 [In Persian].

Heydarpour, H. and Sadeghzadeh-Ghamsari, A. & Sajjadi, S. A. 2019. Comparative Analysis Between Curriculum Guideline for Religion and Life Textbooks of the Upper Secondary Education, and Components of Islamic - Iranian Lifestyle. Quarterly journal of Applied Issues in Islamic Education 3(4): 35- 66 [In Persian].

Kafi, M. 2015. Methodological Model of the Study of Islamic Lifestyle. Journal of Lifestyle Research 1(1): 121- 138 [In Persian].

Kaviani, M. 2012. Islamic Lifestyle and its Measurement Tools. Qom: Research Center and University [In Persian].

Kavusi, E. & Hosseinzadegan, Z. 2011. Necessity of Protecting Irano-Islamic Identity in the era of Globalization. Quarterly Journal of Strategic Studies of Public Policy 2(3): 37- 62[In Persian].

Keramati, Gh. 2011. Iranian Housing, The Place of Dialogue Between Human and Nature... . National Iranian Housing Conference. October, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz [In Persian].

Kowsarinia, N. 2013. The Relationship Between Islamic Lifestyle and Pure Life In the Holy Quran. Journal of Kowsar Quranic (48): 5- 18 [In Persian].

Khamenei, S. A. 1989. Imam Khamenei. Resalat Newspaper: 1- 2 [In Persian].

Khamenei, S. A. 2011. <http://farsi.khamenei.ir>.

Khamenei, S. A. 2012. Statements in the meeting of the youth of North Khorasan province. Website of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Hazrat Ayatollah Khamenei, <http://farsi.khamenei.ir>.

Makarem Shirazi, N. 1995. Sample Interpretation. Tehran: Islamic Library [In Persian].

Mohammadi Rey Shahri, M. 2005. Selected Mizan Al-Hekam, Summarized by Hosseini. Qom: Dar al-Hadith Publishing [In Persian].

Naderi, M. & Perani, Sh. 2020. Leading Strategies in the Aftermath fortieth of the Islamic Revolution (Explaining the Second Step of the Islamic Revolution Statement). Journal of Political Knowledge 16(1): 305- 328 [In Persian].

Naghizadeh, M. 2012. A Reflection on Recognizing the Fundamentals of Islamic-Iranian Housing. Book of the Month of Art (170): 38- 55 [In Persian].

Naghizadeh, M. 2013. Housing: Theoretical Foundations to Objective Effects. Book of the Month of Art (185): 74- 85 [In Persian].

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]

Pourdeihimi, Shahram. 2011. Culture and Housing. Journal of Housing and Rural Environment(JHRE) 30(134): 3-18 [In Persian].
Pourdeihimi, Shahram. 2011. City, Dwelling and Housing Complex. Tehran: Armanshahr [In Persian].
Pourhassan Darzi, Gh. 2009. Cultural specificities and world culture. Journal of First Line-Approach to the Islamic Revolution 3(9): 45-60[In Persian].
Pourmand, H. A. and Rikhtehgaran, M. R. 2006. The Truth of Place and Architectural Space. Journal of Islamic Art Studies (4): 43- 60 [In Persian].
Pourmand, H. A. & Tabatabaei, F. 2016. The Latent Pattern of Spatial Arrangement in Iranian-Islamic Houses, (Case study of Rasoulian House, Yazd). Iran University of Science & Technology 3(4): 3-17 [In Persian].
Ragheb Isfahani, H. 2006. Vocabulary of Quranic Words. Translated by Mostafa Rahimian. Tehran: Sobhan Publishing [In Persian].
Rahimpourazqadi, H. 2008. Western Globalization, Islamic Globalization. Tehran: Literary Art Institute plan for tomorrow [In Persian].
Rajaei, F. 2001. The Phenomenon of Globalization and the Human Condition and Information Civilization. Translated by Abdulhussein Azarang. Tehran: Agah Publishing [In Persian].
Rastegar, A. & Rezaei, S. 2013. The Future of Organizational Challenges Facing the Police Affected by Globalization. Danesh-e- Entezami of Hormozgan Quarterly 15(4): 79-106 [In Persian].
Razavizadeh, S. N. 2007. Investigating the Efect of Media Consumption on the Lifestyle of Tehran Residents. Tehran: Institute of Culture, Art and Communication [In Persian].
Shahidi, N. 2006. Globalization of Higher Education. Quarterly Journal of Education Culture 2(3): 21-29 [In Persian].
Shahidi, N. 2007. Higher Education in the Age of Globalization. Tehran: Navid Publishing [In Persian].
Tabatabaei, S. M. H. 1995. Al-Mizan Interpretation. Translated by Mousavi Hamedani. Qom: Qom Seminary Publishing [In Persian].
Tayyeb, S. M. H. 1999. Interpretation of Atib Al-Albian. Tehran: Islam Publications [In Persian].
Zarghami, E. & Sadat, S. A. 2016. Comparative Analysis of Indicators of Housing on the Basis of Today's Persian-Islamic Culture with Apartment Housing. Naqshejahan-Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning 6(2): 60- 72 [In Persian].
Zukin, Sh. 1995. Cultures of Cities, Cambridge, Mass. Oxford: Blackwell.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.145]